

سوره الرحمن الرحیم

دعای مطالعه

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنَ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَأَكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا
أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

خدایا، مرا از تاریکی‌های وهم خارج کن و به نور فهم گرامی ام بدار. خدایا،
درهای رحمتت را به روی ما بگشا و خزانه‌های علومت را برایمان باز کن، به
مهربانی‌ات، ای مهربان‌ترین مهربانان! عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای مطالعه

تقديم

ارواحِ قدسي ائمه معصومين عليهم السلام، به ويژه مولا و مقتداي زمان، حضرت
بقية الله الاعظم عليه السلام؛ شهداي انقلاب اسلامي و دفاع مقدس؛ مدافعان
مظلوم حرم اهل بيت و زائران آستان ملكوتي امام علي بن موسى الرضا عليه السلام!

کتابخانه انقلاب



مردان انقلاب از بزرگ‌ترین حماسه تاریخ می‌گویند

سرشناسه: بابایی، قاسم، ۱۳۵۷ - عنوان و نام پدیدآور: کعبه صاحب‌دلان: مردان انقلاب از بزرگ‌ترین حماسه تاریخ می‌گویند/ تهیه و تنظیم: قاسم بابایی؛ به‌کوشش: محمدحسین پورامینی؛ ویراستار: مریم رمضانی. ❖ مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات، زائر رضوی، ۱۴۰۰. ❖ مشخصات ظاهری: ۴۹ ص. شابک: ۰-۰۱-۷۸۱۷-۶۲۲-۹۷۸ ❖ وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- فضایل ❖ موضوع: Hosayn ibn 'Ali, Imam III, ۶۲۵ - ۶۸۰ -- Virtues
 موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- سوگواری‌ها ❖ موضوع: Hosayn ibn 'Ali, Imam III, ۶۲۵ - ۶۸۰ -- Laments
 موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ ق -- تاثیر ❖ موضوع: Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, ۶۸۰ -- Influence
 موضوع: عاشورا -- تاثیر ❖ موضوع: Tenth of Muharram -- Influence
 موضوع: 'Views on Tenth of Muharram' -- Ulama ❖ شناسه افزوده: پورامینی، محمدحسین، ۱۳۵۴ -
 شناسه افزوده: Pouramini, Muhammad Husayni ❖ شناسه افزوده: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات. انتشارات زائر رضوی
 رده‌بندی کنگره: ۴۷BP ❖ رده‌بندی دیویی: ۹۵۳/۲۹۷ ❖ شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۷۴۹۰۵ ❖ اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

کتابشناسی مردان انقلاب

مردان انقلاب از بزرگ‌ترین حماسه تاریخ می‌گویند

تهیه و تنظیم: قاسم بابائی ❖ به‌کوشش: محمدحسین پورامینی

ویراستار: مریم رمضانی ❖ طراح جلد: مرجان جلالی ❖ صفحه‌آرا: مریم سادات منصورى

ناشر: زائر رضوی ❖ چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰ ❖ شمارگان: ۱۰۰۰۰ ❖ شابک: ۰-۰۱-۷۸۱۷-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۱۵۰،۰۰۰ ریال (غیرقابل فروش) ❖ نشانی: حرم مطهر رضوی،

صحن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ضلع غربی، باب الهادی علیه السلام، اداره برنامه ریزی.

صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۳۵۱ ❖ تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۹۴۲

سامانه پیامکی دریافت پیشنهادها و انتقادات: ۰۳۰۰۸۰۲۲۲۲

حق چاپ محفوظ است



استان قدس رضوی
معاونت تبلیغات اسلامی

فهرست

| | | |
|----|---|---|
| ۷ | ◇ | مقدمه |
| ۱۳ | | فصل اول: شخصیت والای امام حسین <small>علیه السلام</small> در بخش اخلاق فردی و اجتماعی |
| ۱۶ | ◇ | ۱. اخلاق فردی امام حسین <small>علیه السلام</small> |
| ۱۷ | ◇ | ۱.۱. اخلاص امام حسین <small>علیه السلام</small> |
| ۱۹ | ◇ | ۲.۱. اعتماد و توکل به خداوند در سیره امام حسین <small>علیه السلام</small> |
| ۲۲ | ◇ | ۳.۱. پابندی به انجام تکلیف در زندگی امام حسین <small>علیه السلام</small> |
| ۲۴ | ◇ | ۲. اخلاق اجتماعی امام حسین <small>علیه السلام</small> |
| ۲۵ | ◇ | ۱.۲. امر به معروف و نهی از منکر |
| ۲۸ | ◇ | ۲.۲. نیکوکاری، بخشش و بخشندگی |
| ۳۱ | ◇ | ۳.۲. خوش رفتاری با خانواده |

| | |
|----|---|
| ۳۵ | فصل دوم: درس‌ها و عبرت‌های عاشورایی در عرصهٔ رفتار سیاسی اجتماعی |
| ۳۵ | ۱. عاشورا عظیم‌ترین مصیبت تاریخ |
| ۳۸ | ۲. پیام مهم امام حسین <small>علیه السلام</small> در شب و روز عاشورا |
| ۳۹ | ۳. درس فداکاری و گذشت در مکتب حسینی |
| ۴۲ | ۴. درس تکرار عاشوراها |
| ۴۵ | ۵. درس عدالت‌خواهی و مبارزه با ظلم |
| ۴۸ | ۶. درس شجاعت |
| ۵۱ | ۷. پاسداری از اسلام و ارزش‌های اسلامی |
| ۵۲ | ۸. درس دشمن‌شناسی |
| ۵۴ | ۹. عزت‌مداری در برابر دشمن |
| ۵۹ | فصل سوم: اربعین، نمادی از امتداد عاشورا تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی |
| ۶۱ | ۱. حرکت اربعین حرکتی در استحکام رابطهٔ قلبی با امام |
| ۶۲ | ۲. حرکت اربعین حرکتی برای سپاسگزاری از امام حسین <small>علیه السلام</small> |
| ۶۵ | ۳. اربعین؛ ایستادگی در مقابل استکبار |
| ۶۷ | ۴. نقش نهضت عاشورا در شکل‌گیری و بقای انقلاب اسلامی |
| ۶۸ | ۵. اندیشهٔ عاشورایی امام خمینی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی |
| ۷۵ | فصل چهارم: بایدها و نبایدهای مجالس عزاداری عاشورایی |
| ۷۹ | ۱. پرداختن به مسائل روز در مجالس محرم |
| ۸۱ | ۲. پرداختن به فلسفه و راز گریستن بر ابا عبدالله <small>علیه السلام</small> |
| ۸۳ | ۳. پرداختن به سبک زندگی حسینی |
| ۸۵ | خلاصه و نتیجه‌گیری |
| ۸۸ | کتابنامه |

مقدم

رهبر معظم انقلاب علیه السلام: «درس عاشورا، درس فداکاری، دین داری، شجاعت، مواسات، درس قیام لله و درس محبت و عشق است.»^۱

عاشورا ماندگارترین حادثه تاریخی است که به سبب رنگ الهی گرفتن، جاویدان، دائمی و فرازمانی شده است. عاشورا تجلی اخلاص و یکرنگی امام حسین علیه السلام است. در حادثه عاشورا و در سیره امام حسین علیه السلام، یک مفهوم موج می زند: تسلیم در مقابل خدا و تسلیم در مقابل تکلیف، نقطه طلایی در زندگی امام حسین علیه السلام، الهی بودن سیدالشهدا و اصحاب باوفایشان است که رنگ الهی گرفتند و همه عالم را به رنگ حسینی درآوردند. عاشورا قافله عشق در سفر تاریخ است و این تفسیری است بر آنچه فرموده اند: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا.»

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۷.

عاشورا حسینی شدن و حسینی ماندن و حسینی رفتن است. امتداد عاشورا در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تربیت شاگردانی است که در پرتو عنایت امام حسین علیه السلام حسینی‌وار به خلق عاشوراها‌ی دیگر اقدام کردند که نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی، سردار دل‌ها شهید قاسم سلیمانی بود. او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید. شهادت، پاداش تلاش بی‌وقفه او در همه این سالیان بود.

عاشورا حاوی پیام‌ها و درس‌هایی است؛ درس می‌دهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد؛ درس می‌دهد که در راه قرآن، باید از همه چیز گذشت؛ درس می‌دهد که در میدان نبرد حق و باطل، پیرو جوان در یک صف قرار می‌گیرند.

نهضت عاشورا، الگوی نهضت انقلاب اسلامی ایران است. انقلاب اسلامی ایران در پرتو قیام عاشورا شکل گرفت و تجلی آن تربیت نیروهای انقلابی مخلصی، همانند شهدای جنگ هشت‌ساله و شهدای مدافع حرم بودند که تربیت‌شدگان مکتب حسین هستند. امروز ایران قرارگاه حسین بن علی، است و جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند.

تحقیق پیش رو با هدف شناسایی مکتب امام حسین علیه السلام، در سخنان بزرگان انقلاب همانند امام خمینی رحمته الله علیه، رهبر معظم انقلاب علیه السلام، استاد مطهری، آیت‌الله جوادی آملی، استاد مصباح رحمته الله علیه، شهید بهشتی رحمته الله علیه،

شهید سلیمانی رحمۃ اللہ علیہ و شهید چمران رحمۃ اللہ علیہ، در چهار فصل تنظیم شده است و به اندیشه‌های آنان دربارهٔ مکتب امام حسین علیه السلام اشاره خواهد کرد.

فصل اول به بررسی شخصیت والای امام حسین علیه السلام در بخش اخلاق فردی و اجتماعی می‌پردازد. در فصل دوم، درس‌ها و عبرت‌های حادثهٔ عاشورا بیان می‌شود. فصل سوم حرکت بزرگ اربعین و نقش نهضت عاشورا در شکل‌گیری انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند و در نهایت فصل چهارم به بایسته‌های عزاداری پرداخته است. امید است تحقیق پیش رو رضایت امام رئوف حضرت رضا علیه السلام را جلب کند و قدمی در ترویج معارف بلند امام حسین علیه السلام باشد.

پروردگارا، تو را به حسین علیه السلام و زینب علیه السلام قسم می‌دهیم که ما را جزو محبان، یاران و پیروان آنان قرار بده؛

پروردگارا، حیات و زندگی ما را زندگی حسینی و مرگ ما را مرگ حسینی قرار بده؛

پروردگارا، امام بزرگوار ما را که به این راه هدایت‌مان کرد، با شهدای کربلا محشور و شهدای عزیز ما را با شهدای کربلا محشور کن؛

پروردگارا، تو را شکر می‌کنیم که حسین را آفریدی. ای خدای حسین، تو را شکر می‌کنم که راه پرافتخار شهادت را در جلوی پای روندگان حق و حقیقت گذاشتی!

فصل اول

شخصیت والای امام حسین علیه السلام در بخش اخلاق فردی و اجتماعی

«انبیا و اولیا و ائمه و شهدا و صالحین را در نظر بگیرید. اگر آن‌ها مثل ماه و ستارگان باشند، این بزرگوار مثل خورشید می‌درخشد. حسین بن علی علیه السلام بهترین نمونه و الگوست؛ چراکه در او، خودخواهی و منافع شخصی و قومی وجود ندارد.»^۱

وقتی محمد بن حنفیه، امام حسین علیه السلام را وصف می‌کند، در مقایسه برتری امام حسین علیه السلام بر دیگر افراد، می‌گوید: «او از همه ما عالم‌تر است، در فضیلت‌های عقل عملی، از همه ما حلیم‌تر و بردبارتر است و از همه ما به رسول‌الله نزدیک‌تر است.»^۲ محمد بن حنفیه برای امام حسین علیه السلام دو وصف دیگر را نیز بیان می‌کند که برتر از زمان است:

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۹ خرداد ۱۳۷۴.

۲. «أَعْلَمُنَا عِلْمًا، أَثْقَلْنَا حِلْمًا وَأَقْرَبْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ رَجْمًا» (محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۰۲).

نخست اینکه، «کان فقیهاً قبل أن یُخلَق.» (او پیش از آنکه آفریده شود، فقیه بود.) یعنی اسرار و علوم الهی را به همراه خود آورد و آن‌ها را از کسی نیاموخت؛^۱ بلکه مکتب‌نرفته، به غمزه، مسئله‌آموز صدها مدرس شد. دوم اینکه، «وقرأ الوحی قبل أن ینطق.» (پیش از آنکه به دنیا بیاید، وحی را قرائت کرد.) یعنی پیش از اینکه وحی به مقام لفظ تنزل کند و در کسوت کلمات و حروف درآید، برای آن حضرت معلوم و مشخص بود یا پیش از آنکه آن حضرت به سن تکلم بالغ شود، همانند عیسی علیه السلام آشنا به وحی بود، بدون آنکه نیازمند مکتب و آموختن از راه سمع و بصر باشد.^۲

بر اساس همین ویژگی‌ها بود که همه آزادگان عالم، از زمان شهادت امام حسین علیه السلام تا آخر دنیا، از شاگردان مکتب امام حسین علیه السلام هستند و در محضر امام حسین علیه السلام تلمذ می‌کنند^۳ و «با توجه به شخصیت بالای امام بود که اراده خداوند متعال بر آن شد که حسین بن علی، آن عصاره نبوت و یادگار ولایت را برانگیزد تا جان خود و عزیزانش را فدای عقیدت خویش و امت معظم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماید تا در امتداد تاریخ، خون پاک او بجوشد و دین خدا را آبیاری فرماید و از وحی و از رهاوردهای آن

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۷۳.

۲. نک: عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۳، ص ۱۱۶.

۳. نک: باشگاه خبرنگاران جوان: «<https://www.yjc.news/fa/news/6256317>»

پاسداری نماید.»^۱

«اکنون من با صراحت و قاطعیت می‌گویم هرکس دنباله‌رو علی است، نجات پیدا می‌کند... هرکس هم‌پیمان علی و حسین است، نجات پیدا می‌کند. من شکی در این ندارم که باید عاشورای حسینی را زنده نگه دارید، زنده‌ای که تحریف نشده باشد... اگر دوست حسین علیه السلام هستید، درست دوستی کنید. این دوستی را با هم‌پیمانی با ولایت همراه کنید، با دنباله‌روی و تشیع همراه کنید تا برای خود و جامعه‌ات سرچشمهٔ سعادت شود.»^۲

در نهایت براساس کامل بودن امام است که خداوند اراده کرده که باب رحمتی داشته باشد که حتی کافران هم دوست بدانند از این باب وارد شوند و چه بسا بسیاری از این افراد که در محبت خود صادق باشند، هدایت شوند یا حتی در لحظهٔ مرگ، حقیقت را ببینند و ایمان آورده و عاقبت به خیر شوند.^۳ بر این اساس باید گفت خدایا تو را شکر می‌کنم که حسین را آفریدی. ای خدای حسین، تو را شکر می‌کنم که راه پرافتخار شهادت را در جلوی پای روندگان حق و حقیقت گذاشتی.^۴

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۷ مهر ۱۳۹۹.

۲. شهید بهشتی، ذیل تفسیر آیهٔ ۸۵ سورهٔ بقره: «<https://www.jamran.news>»

۳. درس آیت‌الله مصباح یزدی، ۲۴ مهر ۱۳۹۷.

۴. وبلاگ دل‌نوشته‌های شهید چمران: «<http://chamran-dr.blogfa.com/post/13>»

۱. اخلاق فردی امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام نمونه انسان کاملی است که همه اوصاف اخلاقی در آن بزرگوار ظهور یافته است. در واقع، اهل بیت همگی مصداق کامل اخلاق اند.

سعد بن هشام بر عایشه وارد شد و از اخلاق رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرسید. عایشه گفت: «آیا قرآن می خوانی؟» گفت: «بله.» گفت: «کان خُلِق رسول الله القرآن.» (اخلاق رسول الله همان قرآن بود).^۱ این سخن درباره علی علیه السلام که به منزله جان رسول خدا صلی الله علیه و آله است و سایر ائمه علیهم السلام که مجموع این چهارده نفر، نور واحد هستند، نیز مصداق دارد. سالار شهیدان، حضرت حسین بن علی علیه السلام همین حقایق را این گونه تصریح کردند: «ما حزب پیروز خداوند هستیم، ما عترت پیامبر هستیم که مقربان درگاه الهی اند، ما اهل بیت آن حضرت که پاکیزه اند هستیم و ما یکی از دو چیز گرانمایه که رسول خدا به عنوان دومی کتاب خدا قرار داد هستیم، آن کتابی که در تفصیل و بیان، هر چیز در اوست و باطل کننده ای از جلو و عقب او نیاید و تفسیر قرآن به ما واگذار شده، و تأویل آن برای ما دشوار نیست، بلکه ما از حقایق آن پیروی می کنیم و آنچه حقیقت قرآن است می دانیم.»^۲

۱. ملامحسن فیض کاشانی، محجة البیضا، ج ۴، ص ۱۲۰.

۲. «نحن حزب الله الغالبون و عتره رسول الله الأقربون و أهل بيته الطيبون و أحد الثقلين الذين جعلنا رسول الله تبارك و تعالی الذی فیہ تفصیل كل شیء لا یاتیه»

باید توجه کرد آنچه در اینجا از امام حسین علیه السلام آمده و در سایر مواقع از ائمه دیگر رسیده است، برای خودستایی نیست؛ زیرا انسان کامل خودستان است، نه خودستا. این از خودگفتن‌ها برای آن است که آن‌ها امین خدای سبحان هستند و امانت بزرگ الهی یعنی امامت، ولایت، تفسیر و تأویل کتاب و... نزد آن‌هاست. بنابراین هم باید خودشان را بشناسانند و هم امانتی را که در دست دارند معرفی کنند تا انسان‌های حقیقت‌طلب بدانند که برای پیدا کردن حق به چه کسانی باید مراجعه کنند.^۱ در میان اخلاق فردی امام حسین علیه السلام برخی اوصاف، بسیار برجسته است که می‌توان به اخلاص، اعتماد، توکل به خدا و صبر اشاره کرد.

۱.۱. اخلاص امام حسین علیه السلام

امیرالمؤمنین در جمله‌ای ریشه‌ی اخلاص را چنین تعریف کرده و فرموده است: «ریشه‌ی اخلاص آن است که انسان از آنچه در دست مردم است، ناامید بوده و به آنچه نزد خداست، امیدوار باشد.»^۲ فایده‌ی اخلاص پاک شدن قلب از هرگونه آلودگی و آمیختگی به غیر خداست. بر همین اساس، خداوند از ما خواسته است قلب خود را برای کرامت او خالص

الباطل من بین یدیه و لا من خلفه و المعول علینا فی تفسیره و لا یبطننا تأویله بل نتبع حقائقه» (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۰۵).

۱. عبدالله جوادی آملی، عصاره‌ی خلقت، ص ۷۸.

۲. عبدالله جوادی آملی، شمیم ولایت، ص ۷۸.

کنیم تا خود از آن بهره‌مند شویم.^۱ اگر بخواهیم دوسه صفت برجسته امام را در میان همه این برجستگی‌ها اسم ببریم، یکی از آن‌ها «اخلاص و حرکت در مسیر الهی» است.^۲ بنابراین می‌توان گفت مهم‌ترین ویژگی آن‌ها این است که خود را برای خدا خالص کرده و در این مقام برآمده‌اند که در وجودشان هیچ سهمی برای غیر خدا نباشد. خدا نیز آن‌ها را برای خود خالص کرده است؛^۳ چنان‌که امام در نجوایی عاشقانه با خداوند می‌فرماید: «بار خدایا! تو خود می‌دانی آنچه از ما سر زد، رقابت برای دستیابی به سلطنت و آرزوی زیادکردن کالای بی‌ارزش دنیا نبوده است؛ بلکه برای این بوده که نشانه‌های دین تو را افراشته ببینیم و اصلاح را در شهرهای آشکار کنیم و بندگان ستم‌دیده‌ات منیت یابند و به واجبات و سنت‌ها و احکام تو عمل شود.»^۴

اخلاص و بندگی امام حسین علیه السلام بی‌نظیر بود. بر همین اساس، کار امام حسین علیه السلام [و حماسه عاشورا]، از کارهایی است که یک سرسوزن ناخالصی در آن نیست. بنابراین شما می‌بینید این جنس ناب، تا کنون

۱. فاطمه طباطبایی، یک ساغر از هزار؛ سیری در عرفان امام خمینی علیه السلام، ص ۱۲۲.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲ آذر ۱۳۷۷.

۳. سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی، ۲۸ دی ۱۳۸۵.

۴. «اللهم انک تعلم انه لم یکن ما کان منا تنافسا فی سلطان، و لا التماسا من فضول الحطام و لکن لنری المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک و یا من المظلومون من عبادک و یعمل بفرائضک و سنتک و احکامک» (حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۰؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۷۹).

مانده است و تا ابد هم خواهد ماند.^۱

۲.۱. اعتماد و توکل به خداوند در سیره امام حسین علیه السلام

توکل به معنای اعتماد و تکیه بر خداوند است، اینکه انسان بر خود و نیروها و توانمندی‌های خود یا دیگران اعتمادی نداشته باشد؛ چون هرکس در کاری که خُبره نیست یا توان انجامش را ندارد، وکیل می‌گیرد. انسان در امور و شئون خود نه خُبره است و نه توانایی و قدرت انجام آن را دارد، چنان‌که دیگران نیز مانند او هستند و وضعیتی بهتر از او ندارند. بنابراین باید به یک مبدأ خبیر و قادر تکیه کند و این همان توکل بر خداست: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^۲ (هرکس بر خدا توکل کند، خدا کفایت مهمات و مشکلات او را می‌کند).^۳

توکل مرزی جدا از به‌کارگیری اسباب مادی ندارد تا انسان بگوید: «کاری که توانایی آن را دارم، خودم انجام می‌دهم و کاری که در انجام آن ناتوانانم، بر خدا توکل کرده و به او واگذار می‌کنم.» بلکه انسان در ریز و درشت کارهای خود، ضعیف و ناتوان است و احتیاج به وکیل دارد. نه تنها در قیام خود به حول و قوه الهی نیاز دارد، در قعود و نشستن نیز محتاج به حول و قوه اوست؛ بنابراین در نماز می‌گوییم: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ»

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۹ مهر ۱۳۹۵.

۲. ابراهیم، ۳۷.

۳. عبدالله جوادی آملی، حماسه و عرفان، ص ۲۴۹.

و أقعد.» یعنی نه تنها در ایستادن، بلکه در نشستن نیز به حول و قوهٔ خدا اعتماد و تکیه می‌کنم. امام حسین علیه السلام در طول سفر کربلا، خدا را تنها تکیه‌گاه خودش می‌دانست و همواره این مطلب توحیدی را اعلام می‌کرد. در دومین سخنرانی خود در روز عاشورا، پس از آنکه هر دو سپاه آمادهٔ نبرد شدند، خطاب به سربازان عمر سعد فرمود: «دست در دست هم فکرائتان دهید و با دوستانتان هم داستان شوید تا کارها بر شما اشتباه نشود و آنگاه تصمیم نهایی خود را دربارهٔ من بگیرید و به من مهلت ندهید که سرپرست من خدایی است که قرآن را فرستاده و دوست دار و سرپرست صالحان است.»^۱ پس از نفرینی که دربارهٔ ناکثان عهدشکن کرد، به خداوند عرض کرد: «أنت ربنا عليك توكلنا و إليك أنبنا و إليك المصير.» (خدایا! تو پروردگار ما هستی؛ بر تو توکل می‌کنیم و سیرورت ما به سوی توست.)^۲

و در همان روز عاشورا، دستش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا در هر مصیبتی تو تکیه‌گاه من هستی.»^۳ چنان‌که توکل به خدا را در موقع وداع با خانواده، به آنان یادآوری می‌کرد.^۴

۱. «إسمعوا قولي و لا تعجلوا... [فأجمعوا أمرکم و شرکائکم ثم لا یکن أمرکم علیکم غمّة ثم اقضوا الیّ و لا تنظرون]؛ [إن ولیّی الله الذی نزل الکتاب و هو یتولّی الصالحین]» (سیدهاشم رسولی محلاتی، فهرست موضوعی غرر الحکم و درر الکلم، ص ۹۲، حدیث ۱۳۰۱).

۲. همان، ص ۴۳، حدیث ۳۰۸۸.

۳. «اللّهم أنت ثقتی فی کلّ کرب» (همان، ص ۹۳، حدیث ۷۹۴۵).

۴. عبدالله جوادی آملی، حماسه و عرفان، ص ۲۵۰.

با اعتماد و توکل بر خداوند بود که امام حسین علیه السلام بدون مساعدت مردمی قیام کرد؛ زیرا که خداوند را حسیب و کافی دانست و به اورجوع کرد.^۱ «ظواهر حکم می‌کرد که این شعله در صحرای کربلا خاموش خواهد شد... ولی اعتماد به خدا حکم می‌کرد که امام حسین علیه السلام علی‌رغم این ظواهر، یقین کند که حرف حق و سخن درست او غالب خواهد شد.»^۲ «در این اوضاع و احوال، اگر حسین بن علی آن اعتماد و توکل به خداوند را نداشت، هرگز نمی‌توانست با سپاهیان اندک خود که کمتر از صد نفر بودند، در مقابل سی‌هزار نفر از سپاه دشمن بایستد و حماسه جاودانه عاشورا را خلق کند. یکی از روایان واقعه عاشورا نیز در وصف حالت توکل و اعتماد امام حسین به خداوند می‌گوید: 'من هیچ‌کس را در مواجهه با بلا مثل حسین بن علی محکم و استوار ندیدم... هرگز ندیدم کسی در چنین هنگامه‌ای با این همه مصیبت، مثل حسین بن علی چهره‌ای شاد، مصمم، حاکی از عزم و اراده و متوکل به خداوند را داشته باشد.'^۳ «حضرت سیدالشهدا را کشتند؛ اما [کشته شدن] اطاعت خدا بود، برای خدا بود، تمام حیثیت برای او بود. از این جهت هیچ شکستی در کار نبود.»^۴

۱. عبدالله جوادی آملی، سرچشمه اندیشه، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲ آذر ۱۳۷۷.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲۶ فروردین ۱۳۷۹.

۴. امام خمینی علیه السلام، صحیفه نور، ص ۲۹۰ تا ۲۹۲.

۳.۱. پایبندی به انجام تکلیف در زندگی امام حسین علیه السلام

یکی از ویژگی‌های اهل بیت، پایبندی به انجام تکلیف است، به طوری که هیچ حادثه و مشکلی نتوانست آن‌ها را از انجام تکلیف و وظیفه باز دارد، جز آنکه آن حادثه، تغییری در وظیفه آنان ایجاد کند که در آن صورت، در انجام وظیفه دوم کوتاهی نخواهند کرد. استقامت‌های امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ‌های دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، صبرکردن چونان صبر با استخوان در گلو و خار در چشم، صبر در جنگ‌های دوران خلافت، پایداری امام حسین علیه السلام در برابر مصیبت‌های بی بدیل کربلا و... نمونه‌ای از قوام به امر الهی بودن ائمه اطهار علیهم السلام است.^۱ حسین بن علی علیه السلام وقتی به کربلا می‌آمد، نه به قصد حکومت آمد، نه به قصد کشته شدن؛ به قصد ادای وظیفه آمد و هدف او تسلیم در مقابل خداست.

«وظیفه‌شناسی و پایبندی به انجام تکلیف الهی، مکان و زمان نمی‌شناسد؛ بنابراین به پیروی از اهل بیت ما نیز تکلیف شرعی داریم، عمل می‌کنیم و مقید به این نیستیم که پیش ببریم. برای اینکه آن را ما نمی‌دانیم، قدرتش را هم الان نداریم؛ اما تکلیف داریم. ما تکلیف شرعی خودمان را عمل می‌کنیم. من این‌طور تشخیص دادم که باید این کار را بکنیم. اگر پیش بردیم، هم به تکلیف شرعی عمل کرده‌ایم، هم به مقصد رسیده‌ایم. اگر پیش نبردیم، نتوانستیم به تکلیف شرعی مان

۱. نک: عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مهربان، ج ۳، ص ۳۴۶.

عمل کنیم. حضرت امیر هم نتوانست؛ تکلیف را عمل کرد؛ ولی در مقابلش ایستادند. اصحاب خودش ایستادند در مقابلش؛ نتوانست. این چیزی نیست. ما به اندازهٔ قدرتمان می‌توانیم کار بکنیم... ما قیامان، شما قیامتان برای خدا باید باشد.»^۱

«کاری که امام حسین علیه السلام کردند، یک کار فوق‌العاده‌ای است. صبرش فقط این نبود که بر تشنگی صبر کند، بر کشته‌شدن یاران صبر کند، این‌ها صبرِ آسان است. صبرِ سخت‌ترین است که دیگران، افراد صاحب نفوذ، افراد آگاه، مثل عبدالله جعفر، عبدالله زبیر، عبدالله عباس، این شخصیت‌های برجستهٔ بزرگ آن روز دنیا بگویند: 'آقا نکنید، این کار غلط است، این کار خطرناک است'، ایجاد تردید کنند. اگر چنانچه آن عزم و آن اراده و آن ثبات در او نباشد، با خودش فکر می‌کند که من دیگر تکلیفی ندارم، این‌ها که دارند این جور می‌گویند، دنیا هم که دارد آن جوری حرکت می‌کند. اما امام با همهٔ تردیدافکنی‌ها ایستاد، دلش نلرزید و قدم در این راه گذاشت. او همان کسی است که می‌تواند این تحول عظیم را به وجود بیاورد. و امام بزرگوار ما در این جهت، به سید و سالار شهیدان تشبه کردند و اقتفاء کردند.»^۲

«هدف امام حسین علیه السلام انجام تکلیف بود. حضرت فرمود: 'اما والله انی

۱. امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفهٔ امام، ج ۸، ص ۸.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب رحمته الله علیه، ۱۳ تیر ۱۳۹۰.

لأرجوان یكون خیراً ما اراد الله بنا؛ قتلنا او ظفرنا.^۱ این هم نشانهٔ اینکه گفتیم فرقی نمی‌کند. چه به پیروزی برسند، چه کشته بشوند، تفاوتی نمی‌کند. تکلیف، تکلیف است؛ باید انجام بگیرد. فرمود: 'من امیدم این است که خدای متعال، آن چیزی که برای ما در نظر گرفته است، خیر ماست، چه کشته بشویم، چه به پیروزی برسیم. فرقی نمی‌کند؛ ما داریم تکلیفمان را انجام می‌دهیم.'^۲ و مطمئن باشید ما پیروزم و علتش اینکه اگر یک وقتی خدای ناکرده به حسب ظاهر شکست بخوریم، شکستمان مثل شکست امام حسین علیه السلام باز به دنبالش پیروزی است و شکستی ظاهری است.^۳

۲. اخلاق اجتماعی امام حسین علیه السلام

اخلاق اجتماعی در ارتباط با سایر افراد اجتماع است و حاوی بایدها و نبایدهای اخلاقی اجتماع است که می‌توان به امر به معروف و نهی ازمنکر، صلّهٔ رحم، نیکوکاری، بخشش و بخشندگی، عفو، وفای به عهد و امانت‌داری اشاره کرد.

۱. لوط بن یحیی ابومخنف، وقعة الطف، ص ۱۷۴.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۹ خرداد ۱۳۷۴.

۳. سید محمد بهشتی، حماسهٔ عاشورا در کلام شهدا، ص ۱۴۴.

۱.۲. امر به معروف و نهی از منکر

«فریضه امر به معروف و نهی از منکر یکی از بزرگ‌ترین واجبات اسلامی است و توصیه به آن، در قرآن و گفتارهای پیامبر خدا ﷺ و امیرمؤمنان و دیگر امامان علیهم‌السلام دارای لحنی کم‌نظیر و تکان‌دهنده است؛ ولی اگر کسی از همه دلایل نقلی چشم‌پوشی کند و تنها به ندای خرد انسانی گوش بسپرد، باز هم بی‌شک این عمل سازنده را فریضه و تکلیف خواهد شمرد. به نیکی خواندن و از بدی برحذر داشتن را کدام خرد سالم، ستایش نمی‌کند؟ و کدام انسان خیرخواه و حساس، از آن روی می‌گرداند؟ هنگامی که به این وظیفه عمل شود، به تعداد آمران و ناهیان، دعوت به خیر در میان مردم صورت می‌گیرد و بی‌گمان لبیک‌گویان به این دعوت نیز کم نخواهند بود. این فراخوانی، به گمان زیاد بر خود داعیان نیز نشانه نیک بر جای می‌گذارد و از دو سو راه صلاح را هموار می‌سازد. کار نیکی که مخاطب خود را به آن امر می‌کنیم و رفتار زشتی که وی را از آن برحذر می‌داریم، هرچه بزرگ‌تر و تأثیر اجتماعی یا فردی آن ژرف‌تر و ماندگارتر باشد، امر به معروف و نهی از منکر ما ارزشمندتر است و چنین است که عمل به این وظیفه، تضمین‌کننده دوام و استحکام حکومت صالحان است و رهاکردن و به فراموشی سپردن آن، زمینه‌ساز سلطه انحرار و نابکاران است.»^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام، ۲۳ آبان ۱۳۷۹.

امربه معروف و نهی، فریضه بسیار بزرگی است که «بها تُقَامُ الْفَرَايِضُ». اگر امربه معروف و نهی ازمنکر نباشد، به سایر واجبات هم عمل نمی‌شود و سایر واجبات در جامعه زنده نمی‌ماند. حیات و بقای دین و احکام آن، به امربه معروف و نهی ازمنکر است. اگر به این دو واجب عمل نشود، سایر واجبات نیز ترک می‌شود.^۱ یکی از ویژگی‌های مکتب امام حسین برپایی امربه معروف و نهی ازمنکر بود؛ چنان‌که امام علیه السلام دلیل نهضت را چنین بیان می‌کند: «من برای رسیدن به مقام و مال دنیا [و] فساد و ستم در جامعه اسلامی قیام نکرده‌ام؛ من فقط برای اینکه جامعه اسلامی را اصلاح کنم، قیام کرده‌ام. ازاده کرده‌ام تا امربه معروف و نهی ازمنکر کنم و به روش جدّم و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار کنم.»^۲ بنابراین می‌توان گفت: «حقیقت و روح حرکت امام حسین، در امربه معروف و نهی ازمنکر است.»^۳ «نه امام حسن بی تفاوت می‌ماند، نه امام حسین، نه موسی بن جعفر، نه امام رضا، نه حضرت جواد، نه حضرت عسکری، نه حضرت صادق علیه السلام. همه این‌ها می‌کوشیدند با در نظر گرفتن حدود و امکانات زمانشان، در برابر این کج‌روی‌ها بی تفاوت نمانند.»^۴ چنان‌که

۱. محمدتقی مصباح یزدی، آذرخشی دیگر از کربلا، ص ۱۳۹.

۲. «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْبْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي أَرِيدُ أَنْ أَمُرَّ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُسَيِّرَ بِسِيْرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» (نک: محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام).

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۴ آبان ۱۳۶۱.

۴. سید محمد بهشتی، ذیل تفسیر آیه ۸۵ سوره بقره: «<https://www.jambaran.news>»

حسین علیه السلام می‌گوید: «من نهضت کرده‌ام برای امر به معروف، برای اینکه دین را زنده کنم، برای اینکه با مفسد مبارزه کنم. نهضت من یک نهضت اصلاحی اسلامی است.»^۱

[در زندگی امام حسین علیه السلام] رسالت نهی از منکر و امر به معروف در برترین شکل خود است و در نامه به معاویه در کتاب‌های تاریخ نقل شده است.^۲ «ببینید، یک انسان، هم در تلاش نفسانی و شخصی، [یعنی] تهذیب نفس، آن حرکت عظیم را می‌کند، هم در صحنه و عرصه فرهنگی که مبارزه با تحریف، اشاعه احکام الهی و تربیت شاگرد و انسان‌های بزرگ است و هم در عرصه سیاسی که امر به معروف و نهی از منکر است. بعد هم مجاهدت عظیم ایشان که مربوط به عرصه سیاسی است. این انسان،

۱. مرتضی مطهری، سخنرانی‌ها، جلسه سوم، تحریفات معنوی حادثه کربلا.

۲. «فی جواب کتاب کتب إلیه معاویة علی طریق الاحتجاج أما بعد... هنگامی که این نامه معاویه به امام حسین علیه السلام رسید، در جوابش نوشت: 'نامه تو به من رسید، نوشته بودی اموری از من به تو رسیده که از آن‌ها بی‌زاری و من به نظر تو برای غیر آن امور سزاوارم.' کارهای نیکو را نمی‌توان جز با راهنمایی و توفیق خدا انجام داد... من از اینکه با تو مبارزه نکنم، خائفم و گمان نمی‌کنم که خدا راضی باشد من از جنگیدن با تو دست بردارم و عذر مرا درباره مبارزه با تو و این گروه ملحد بپذیرد که حزبی ستم‌کیش و دوستان شیاطین هستند. آیا تو همان معاویه‌ای نیستی که خُجَربین عدی را با آن افرادی که اهل نماز و عبادت بودند و با ظلم و بدعت مخالف بودند و در راه خدا از هیچ‌گونه ملامتی پاک نداشتند، شهید کردی؟! تو آنان را به ظلم و دشمنی در صورتی نکشتی که قسم‌های غلیظ برایشان خورده بودی و امان‌های کامل به آنان داده بودی که ایشان را برای حوادث قبلی که بین تو و آنان رخ داده بود و بغض و کینه‌ای که از ایشان در دل داری، مؤاخذه نکنی...؟ تو سنت پیامبر اسلام را عمداً پایمال و بدون هدایت خدایی از هوا و هوس خود متابعت کردی.» (احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۷).

در سه عرصه مشغول خودسازی و پیشرفت است.»^۱ «شرط اساسی این مراحل عمومی امر به معروف و نهی از منکر، یکی درست شناختن معروف و منکر و خوب و بد است. نه آنکه کسی ندانسته در کار دیگران دخالت کند. دیگر، شناختن و به کار بردن روش صحیحی است که در اشخاص حُسن اثر داشته باشد، نه آنکه بدتر، آن‌ها را علیه وظایف دینی برانگیزد و بر عصیان‌شان بیفزاید یا ایمانشان را سست و از توجه به دین بیزارشان سازد. برای انجام این وظیفه بزرگ همگانی، کسب اطلاعات لازم دینی و صفات و ملکات فاضله نفسانی و آداب و عادات مؤثر و نفوذ صحیح و حُسن تأثیر در دیگران، یکی از مواد اساسی برنامه تعلیم و تربیت عمومی مسلمانان است.»^۲

۲.۲. نیکوکاری، بخشش و بخشندگی

اهل بیت علیهم‌السلام مظهر کامل نیکوکاری، بخشش و بخشندگی به دیگران هستند. نیکوکاری آن حضرت و سایر معصومان علیهم‌السلام در حدی بود که «اساس و ریشه ابرار و نیکوکاری» نام گرفتند؛ چنان‌که در زیارت آنان می‌خوانیم: «و عناصر الأبرار.»^۳ (شما ریشه و اساس نیکان هستید.) قرآن کریم «أبرار» را در مقابل «فجار» به کار برده است: ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام، ۲۴ آذر ۱۳۷۵.

۲. سید محمد بهشتی، ولایت، رهبری، روحانیت، ص ۳۹۷.

۳. عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

الفَجَّار لَفِي جَحِيمٍ﴾ (به تحقیق نیکوکاران در بهشت پُر نعمت متنعم اند و بدکاران در آتش دوزخ معذب‌اند.) «فاجر» به کسی می‌گویند که با گسیختن پردهٔ تقوا و عدالت، حالت فسق و عدوان را ظاهر می‌کند. در مقابل، «بَرّ» به کسی گفته می‌شود که با انجام اعمال صالح و به جا آوردن وظایف خود، حالت تقوا و عدالت را حفظ می‌کند. برخی از مصادیق بَرّ که انسان به کمک آن جزو ابرار می‌شود، عبارت است از: ایمان به خدا، ایمان به قیامت، ایمان به کتب آسمانی و انبیای گذشته، انفاق مالی، برپاداشتن نماز، پرداختن زکات، وفای به عهد، صبر در شداید و تنگناها.^۲

امام حسین مظهر نیکوکاری و یاری رساندن به دیگران بود؛ چنان‌که می‌فرماید: «ایها الناس من جاد ساد و من بخل رذل و ان اجود الناس من اعطی من لایرجوا.»^۳ (ای مردم! هرکس بخشش کند، سروری کند و هرکس بخل ورزد، پستی کرده است و همانا بخشنده‌ترین مردم کسی است که به انسانی کمک کند که [به او] امیدی نداشته باشد.) کسی که برای برطرف کردن نیاز برادر مؤمنش تلاش کند، گویا خدا را نه هزار سال عبادت کرده است که روزهایش را روزه‌دار و شب‌هایش را بیدار بوده است.^۴ «یکی از نکات مهم در انفاق، توجه به حفظ کرامت افراد است.

۱. حدید، ۳.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، شمیم ولایت، ص ۴۷۲.

۳. علی بن عیسیٰ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹؛

۴. «من سعی فی حاجة اخیه المؤمن فکانما عبدالله تسعة الاف سنة صائما نهارة قائما

باید این عمل با یک ظرافتی انجام بگیرد که مستمندان، محرومان خیال نکنند که آن‌ها از باب اینکه در صف پایین جامعه واقع شده‌اند، مورد امداد واقع شده‌اند؛ آن‌ها در صف مقدم جامعه‌اند. مستمندان و فقرا و دورافتاده‌ها در صف مقدم جامعه هستند و همین‌ها و همین زاغه‌نشینان و همین حاشیه‌نشینان و همین محرومان بودند که این انقلاب را به ثمر رساندند.^۱

امام حسین علیه السلام به عیادت اسامه بن زید رفت. اسامه بیمار بود و می‌گفت: «واغماه!» امام علیه السلام به او فرمود: «برادرم، چه غم داری؟» عرض کرد: «یابن رسول الله، شصت هزار درهم بدهکارم. می‌ترسم بمیرم و زیر بار دین بمانم.» حضرت فرمود: «ناراحت نباش. قبل از اینکه اجل تو فرارسد، قرضت را ادا خواهم کرد.» و چنین کرد.^۲

شعیب بن عبدالرحمان می‌گوید: «بعد از اینکه امام حسین علیه السلام کشته شد، اثری بر دوش مبارکش دیدند. از امام سجاد علیه السلام پرسیدند: «این اثر چیست؟» فرمود: «این اثر از آنجاست که پدرم عادت داشت انبان غذا را بر دوش می‌گرفت و به منازل بیوه‌زنان و یتیمان و فقیران می‌برد.»^۳

لیله (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۵، حدیث ۷۳). «من سعی فی حاجة اخیه المؤمن فکانما عبدالله تسعة الاف سنة صائما نهاره قائما ليله.»

۱. امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۲۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹.

۳. ابراهیم امینی، احسان و انفاق امام حسین علیه السلام: <http://www.ibrahimamini.com>

از امام حسین علیه السلام روایت شده که فرمود: «صحت این قول پیامبر صلی الله علیه و آله برای من به اثبات رسیده که فرمود: 'افضل اعمال، بعد از نماز، شادکردن قلب مؤمن است، البته به گونه ای که گناهی در آن نباشد.'^۱

۳.۲. خوش رفتاری با خانواده

یکی از ویژگی‌های بارز امام حسین علیه السلام خوش رفتاری با خانواده و مردم بود. در روز عاشورا، هنگامی که هلال بن نافع عازم میدان جنگ بود، همسر جوانش از رفتن او ناراحت شده و به شدت می‌گریست. امام حسین علیه السلام متوجه آن زوج جوان شدند و به هلال فرمودند: «إِنَّ أَهْلَكَ لَا يَطِيبُ هَذَا فِرَاقُكَ، فَلَوْ رَأَيْتَ أَنْ تَخْتَارَ سُورَهَا عَلَى الْبِرَّازِ.»^۲ (همسرت جدایی تو را نمی‌پسندد؛ تو آزادی و می‌توانی خشنودی او را بر مبارزه با شمشیرها مقدم بداری.) بر همین اساس، یکی از شرط‌های تکمیل ایمان، خوش رفتاری و حُسن خلق با خانواده و مردم است.

مفضل بن عمر جُعی گوید: «از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: 'ایمان بنده کامل نمی‌شود تا این چهار خصلت در او باشد: خوش خُلق باشد، سخاوتمند باشد، زیادی سخنش را نگه دارد و زیادی مالش را خارج کند.'^۳» [بر اساس محتوای این روایت:] اگرچه ایمان

۱. امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۲۵.

۲. محمود الشریفی، کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۴۴۷.

۳. «عن الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: لَا يَكْمُلُ إِيْمَانُ

یک امر قلبی است؛ اما همین امر قلبی با بعضی از اعمال جوارحی تکمیل می‌شود یا نقص پیدا می‌کند. یکی از آن‌ها، اخلاق خوب است، اخلاق خوب در خانه، با همسر، با فرزندان... بعضی‌ها هستند از لحاظ عمل آدم‌های خوبی هم هستند، [اما] بد اخلاق‌اند. در خانه با زن و بچه، با مردم بد اخلاق‌اند. اعمالشان خوب است؛ اما اخلاقشان بد است... این خیلی نقص بزرگی است. این بد اخلاقی، آن کاری را که شما با ایمانتان، با عمل صالحتان انجام می‌دهید، خراب می‌کند، ناقص می‌کند. خوش اخلاقی خیلی نعمت بزرگ و حسنه بزرگی است.^۱ بر همین اساس، امام حسین انسان کاملی است؛ همه کمالات اخلاقی در اوست. اگر از اخلاق، سخن به میان آید، انسان کامل صاحب خلق عظیم است و خوش خلقی و مهربانی او حتی بدترین دشمنان را به شگفت آورده است. اگر صحبت از علم و دانش شود، انسان کامل چشمه جوشان علم و حکمت است.

العبد حتی یكون فيه خصال أربع: يحبس خلقه و تسخو نفسه و يمسيك الفضل من قوله و يخرج الفضل من ماله» (محمد بن حسن طوسی، *امالی*، مجلس هشتم، ص ۲۳۰).

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲۹ آبان ۱۳۹۷.

فصل دوم

درس‌ها و عبرت‌های عاشورایی در عرصه رفتار سیاسی اجتماعی

«یکی از روش‌های کارآمد تربیتی که در سیره پیشوایان مورد توجه بوده، عبرت‌آموزی از حوادث و اتفاقات است. بر این اساس، هیچ‌وقت نباید امت اسلامی و جامعه اسلامی ماجرای عاشورا را به‌عنوان یک درس، به‌عنوان یک عبرت، به‌عنوان یک پرچم هدایت از نظر دور بدارد. قطعاً اسلام، زنده به عاشورا و به حسین بن علی علیه السلام است.»^۱ «درس عاشورا، درس فداکاری و دین‌داری و شجاعت و مواسات و درس قیام‌الله و درس محبت و عشق است.»^۲

۱. عاشورا عظیم‌ترین مصیبت تاریخ

«عاشورا پیام‌ها و درس‌هایی دارد. عاشورا درس می‌دهد که برای حفظ

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۳۹۱.۱.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۷.

دین، باید فداکاری کرد. درس می‌دهد که در راه قرآن، از همه چیز باید گذشت. درس می‌دهد که در میدان نبرد حق و باطل، کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیرو جوان، شریف و وضع و امام و رعیت، با هم در یک صف قرار می‌گیرند.»^۱ «ما معتقدیم در طول تاریخ بشر واقعه کربلا جریان بی‌نظیری است که از نظر ارزش قابل مقایسه با هیچ حادثه دیگری نیست.»^۲ «نهضت عاشورا الگوی نهضت انقلاب اسلامی ایران در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب است که به پیروی از نهضت مقدس حسینی چنان سازنده و کوبنده بود که مردانی مجاهد و فداکار تحویل جامعه داد که با تحرک و فداکاری روزگارا بر ستمکاران و خائنان سیاه نمودند و ملت بزرگ را چنان هوشیار و متحرک و پیوسته کرد که خواب را از چشم بیگانه و بیگانه پرستان ربود و حوزه‌های علمیه و دانشگاه و بازارها را به صورت دژ مدافع از عدالت خواهی و [دفاع‌کننده] از اسلام و مذهب مقدس درآورد.»^۳

اگر کسی تاریخ عاشورا را بخواند، می‌بیند از زنده‌ترین و مستندترین و از پرمنبع‌ترین تاریخ‌هاست... در پرتو قیام عاشورایی بود که نیروهای انقلابی مخلصی همانند شهدای جنگ هشت‌ساله و شهدای مدافع حرم تربیت شدند و اینان تربیت شده مکتب حسین هستند. «حسین بن علی یک مکتب به وجود آورد. هرگز نمونه‌ای از یک مکتب عملی در دنیا

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲۲ تیر ۱۳۷۱.

۲. سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی، ۱ بهمن ۱۳۸۵.

۳. امام خمینی علیه السلام، صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۱.

پیدا نمی‌کنید که نظیر مکتب حسین بن علی علیه السلام باشد... نظیر آنچه حسین بن علی در حادثه عاشورا، در آن ابتلا و مصیبت، از توحید، از جلوه ایمان، از جلوه خداشناسی، از ایمان کامل به جان دیگر... اگر در دنیای نمونه‌ای پیدا کردید، آن وقت بگویید: «چرا ما نام حسین بن علی را زنده کنیم؟» [بدیل ندارد، مثل ندارد]. زنده کردن نام و نهضت او برای این است که پرتویی از روح حسین بن علی بر روح ما و شما بتابد. اگر اشکی که ما برای او می‌ریزیم، در مسیر هماهنگی روح ما باشد، پرواز کوچکی است که روح ما با روح حسینی می‌کند. اگر ذره‌ای از همت او، ذره‌ای از غیرت او، ذره‌ای از حریت او، ذره‌ای از ایمان او، ذره‌ای از تقوای او، ذره‌ای از توحید او در ما بتابد و چنین اشکی از چشم ما جاری شود، آن اشک بی‌نهایت قیمت دارد. اگر گفتند «به اندازه بال مگس هم باشد، یک دنیا ارزش دارد»، باور کنید. اما نه اشکی که برای نفله شدن حسین باشد، بلکه اشکی که برای عظمت حسین باشد، برای شخصیت حسین باشد. اشکی که نشانه‌ای از هماهنگی با حسین بن علی و پیروی کردن از او باشد. بله، یک بال مگسش هم یک دنیا ارزش دارد.»^۱

«درس عاشورا، درس فداکاری و دین‌داری و شجاعت و مواسات و درس قیام‌الله و درس محبت و عشق است.»^۲ «اگر روضه و گریه و نوحه‌سرایی و

۱. نک: مرتضی مطهری، سخنرانی‌ها، تحریفات عاشورا.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۷.

عزاداری امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا نبود، اسلام با اعمال بنی امیه از بین رفته بود. کربلا و فرهنگ عاشورا، اسلام را حفظ کرد و باید این مکتب به همان سبک سنتی آن حفظ شود.^۱

۲. پیام مهم امام حسین علیه السلام در شب و روز عاشورا

در تمام این سخنرانی‌ها، محور فرمایش‌های امام علیه السلام تحذیر از دنیا، مال حرام و لذت‌های دنیا و بدبختی‌هایی است که برای انسان ایجاد می‌کند. اگر ما می‌خواهیم واقعاً حسینی شویم، شایسته است از کلامی که حضرت سیدالشهدا علیه السلام شب و روز عاشورا مکرراً به بهانه‌های مختلف برای دوستان و دشمنانش بیان فرمود، استفاده کنیم: «و کونوا من الدنيا علی حذر». هرکس که بخواهد به سعادت برسد، باید از این کلام استفاده کند. درد و درمان برای یاران امام حسین علیه السلام و دشمنان او یکی است. برای رسیدن به سعادت، همه باید از این درمان استفاده کنند و از آن سم مهلک که عشق به دنیا و دل‌بستگی به لذت‌های آن است، پرهیز کنند. من و شما هم اگر قصد داریم حسینی باشیم، باید سعی کنیم عاشق دنیا نشویم، ایمان خود را به آخرت تقویت کرده، باور کنیم که زندگی واقعی بعد از مرگ است و این دنیا مانند دوران جنینی است؛ همچنان که جنین پس از مدتی، با تولد قدم به این دنیا می‌گذارد، انسان نیز با مرگ از این دنیا خارج می‌شود و قدم در عالم ابدی می‌گذارد. اما برای

۱. امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۱۹.

اینکه در عالم ابدی به سعادت جاودانی نائل شویم، باید به این دنیا دل نبندیم تا به گناه کشیده نشویم. ریشه همه گناهان و بدبختی‌ها علاقه به دنیا است... بنابراین عشق به دنیا را از دل بیرون کنید، به سراغ گناه نروید، ایمان خود را با دلایل منطقی تقویت کرده با مبارزه با دنیاگرایی، خودسازی کنید.^۱ بر همین اساس، باید انسان ساخت، باید هدف را بر اساس سلسله ارزش‌ها معین کرد و معیار سنجش را فقط و فقط بر مبنای انسانیت و ارزش‌های خدایی قرار داد.^۲

۳. درس فداکاری و گذشت در مکتب حسینی

قرآن کریم همانند کتب آسمانی پیشین، انسان‌ها را به تجارت [در فروختن جان] با خدای سبحان دعوت می‌کند و رهاوردهای گوناگون این تجارت را نیز به خوبی تبیین می‌کند. رهاوردهای تجارت با خدا از پیروزی بر دشمن در میدان‌های جهاد اصغر آغاز می‌شود و به لقای الهی پایان می‌پذیرد و حلقات میانی آن نیز فضایل فراوانی است که مغفرت و بخشش گناهان، رهایی از عذاب دردناک الهی و دستیابی به بهشت جاویدان، نمونه‌ای از آن‌هاست... فداکاری بزرگ امیرمؤمنان علیه السلام در لیلۃ‌المبیت که از هستی خود گذشت و به استقبال ضربه‌های شمشیر مهاجمان چهل قبیله حجاز رفت، بهترین نمونه فروختن جان برای رسیدن به رضوان و لقای الهی بود

۱. محمدتقی مصباح یزدی، در پرتو آذرخش، مقدمه.

۲. وبلاگ دل‌نوشته‌های شهید چمران: «<http://chamran-dr.blogfa.com/post/13>»

و از این رو آیه کریمه ﴿و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله...﴾ درباره او نازل شد. در این دادوستد، آن حضرت علیه السلام جان شریف خود را به بهای لقای مهر و رضوان الهی فروخت و چون این فداکاری از بهترین عبادات حضرت بود که خود درباره عباداتش می فرماید: «ما عبدتک خوفاً من نارک و لا طمعاً فی جنتک لکن وجدتک أهلاً للعبادة فعبدتک.»^۲ خدای سبحان نیز در تبیین آن هرگز سخنی از دستیابی به بهشت یا رهایی از آتش به میان نیاورد، بلکه هدف آن را «ابتغاء مرضات الله [طلب رضایت خداوند]» دانست.^۳

فطرت الهی انسان، سیری ناپذیر و بی نهایت طلب است که اگر در جهاد اکبر و جنگ درون، اسیر طبیعت شود، طبیعت او این خصوصیت بی نهایت طلبی را به خدمت می گیرد و در جهت تمایلات خود به کار می برد و اگر خزائن بیکران و بی پایان رحمت الهی را در اختیار داشته باشد، از ترس تمام شدن، ذره ای از دارایی اش را انفاق نمی کند: ﴿قُل لَوْ أَنْتُمْ مَلَکُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا﴾.^۴ این بخل طبیعت، محدودیتی ندارد و می تواند همه رذایل اخلاقی را با خود پیوند دهد. در مقابل، اگر حاکمیت درون انسان با

۱. بقره، ۱۱۵.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۹۷.

۳. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۲۲، ص ۳۰۶.

۴. اسراء، ۱۰۰.

فطرت او باشد و خزائن آسمان‌ها و زمین را هم در راه خدا بدهد، باز خود را تشنهٔ انفاق می‌یابد و بدهکار می‌داند و مایل است در راه خدا ایثار و نثار و فداکاری کند؛ مانند برخی اصحاب اباعبدالله‌الحسین علیه السلام که گفتند: «اگر هفتاد بار کشته شویم و زنده شویم، باز از شما دست بر نمی‌داریم.»^۱ عدد هفتاد برای کثرت است؛ یعنی اگر هفتصد بار یا هفت میلیون بار و بیشتر کشته و زنده شویم، باز هم آمادهٔ جان‌نثاری هستیم.^۲ عاشورا درس می‌دهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد. درس می‌دهد که در راه قرآن، از همه چیز باید گذشت. حسین بن علی علیه السلام در مرکز اسلام، در مدینه و مکه، مرکز وحی نبوی، وضعیتی دید که هرچه نگاه کرد، چاره‌ای جز فداکاری نداشت، آن هم چنین فداکاری خونین با عظمتی! مگر چه وضعی بود که حسین بن علی علیه السلام احساس کرد که اسلام فقط با فداکاری او زنده خواهد ماند، و الا از دست رفته است؟ عبرت اینجاست.^۳

«اگر فداکاری بزرگ حسین بن علی علیه السلام نمی‌بود که این فداکاری، وجدان تاریخ را به کلی متوجه و بیدار کرد، در همان قرن اول یا نیمهٔ قرن دوم هجری، بساط اسلام به کلی برچیده می‌شد. ما از عاشورا باید درسی برای زندگی فردی و درس دیگری برای زندگی اجتماعی مان بگیریم. اگر دوست داریم زندگی مان ارزشمند باشد، کاری کنیم که ارتباطی با

۱. حسن بن ابی‌الحسن دیلمی، ارشاد، ج ۲، ص ۹۲.

۲. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۲، ص ۳۲۳.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲۲ تیر ۱۳۷۱.

نام و یاد امام حسین علیه السلام پیدا کنیم و قدمی در راه او برداریم. اولیای خدا به اندازه‌ای پیش خدا عزیزند که اگر کسی شباهتی هم به آن‌ها پیدا کند، خداوند به خاطر این شباهت، او را دوست خواهد داشت. ما اگر نمی‌توانیم ارزش‌های سیدالشهدا علیه السلام را درک کنیم، حداقل سعی کنیم حسینی بشویم و تا جایی که به عقلمان می‌رسد، شباهتی با امام حسین علیه السلام پیدا کنیم تا نامی از خدمت‌گزاری آن حضرت بر ما بماند.^۱

۴. درس تکرار عاشوراها

یکی دیگر از درس‌های عاشورا توجه به پیوستگی و تداوم درگیری حق و باطل است که در جمله «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»^۲ نمایان است. این کلمه یک معنای ظاهری دارد که نشانگر بازبودن باب شهادت است.^۳ «از طرفی دیگر، کلمه «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»، یک کلمه بزرگی است... همه‌روز باید ملت ما این معنی را داشته باشد که امروز روز عاشورا است و ما باید مقابل ظلم بایستیم و همین‌جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم، انحصار به یک زمین ندارد. انحصار به یک

۱. سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی، (بهمن ۱۳۸۵).

۲. البته برخی سخن فوق را بدون مدرک و مأخذ از زبان امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند (نک: عباس عزیزی، پیام عاشورا، ص ۲۸؛ جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۷۱).
 عده‌ای هم قرائنی را ذکر کرده‌اند که بیان می‌کند این جمله، حدیثی از معصومان نیست (نک: مجله علوم حدیث، ش ۲۶).

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲۲ اسفند ۱۳۹۷.

افراد نمی‌شود. قضیه کربلا منحصر به یک جمعیت هفتادوچند نفری و یک سرزمین کربلا نبوده، همه زمین‌ها باید این نقش را ایفا کنند.^۱

«لازمه عاشورایی بودن، جانب‌داری از موضع حق و ایستادگی در مقابل باطل، حجت‌مداری، ذلت‌ناپذیری و هزینه‌دادن برای دین خداست؛ بنابراین در هرجایی ظلمی و ستمی است، آنجا کربلای دیگری است. بر همین اساس، امام خمینی در ایام جنگ فرمودند: «امروز، روز عاشورای حسینی است، امروز ایران کربلاست، حسینیان آماده باشید.»^۲ «پس یکی از درس‌های عاشورا در طول زمان، قیام عدالت خواهان با عددی قلیل و ایمان و عشقی بزرگ، در مقابل ستمگران کاخ‌نشین و مستکبران غارتگر است و دستور آن است که این برنامه، سرلوحه زندگی امت در هر روز و در هر سرزمین باشد.»^۳ چنان‌که این برنامه، یعنی داستان پرافتخار عاشورا، یکی از عواملی بود که در ملت ما زمینه مساعد برای رشد فرهنگ شهادت ایجاد کرده است.^۴

«پس باید مراقب بود که بار دیگر تاریخ تکرار نشود. اولین عبرتی که در قضیه عاشورا ما را به خود متوجه می‌کند، این است که ببینیم چه شد که پنجاه سال بعد از درگذشت پیغمبر ﷺ، جامعه اسلامی به آن

۱. امام خمینی رحمته‌الله علیه، صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۰۲.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۱۹۵.

۳. همان، ج ۹، ص ۵۷.

۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ارزش‌ها از دیدگاه شهید بهشتی، ص ۲۹.

حدی رسید که کسی مثل امام حسین علیه السلام، ناچار شد برای نجات جامعه اسلامی، چنین فداکاری ای بکند؟ اگر بیماری ای وجود دارد که می تواند جامعه ای را که در رأسش کسانی مثل پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین علیه السلام بوده اند، در ظرف چند ده سال به آن وضعیت برساند، این بیماری، بیماری خطرناکی است و ما هم باید از آن بترسیم... آن جامعه را پیغمبر ساخته بود و بعد از چند سال، به آن وضع دچار شد. این جامعه ما خیلی باید مواظب باشد که به آن بیماری دچار نشود. عبرت اینجاست! ما باید آن بیماری را بشناسیم، آن را یک خطر بزرگ بدانیم و از آن اجتناب کنیم.»^۱ «بنابراین جا دارد اگر ملت اسلام فکر کند که چرا پنجاه سال بعد از وفات پیغمبر، کار کشور اسلامی به جایی رسیده باشد که همین مردم مسلمان از وزیرشان، امیرشان، سردارشان، عالیشان، قاضی شان، قاری شان گرفته، در کوفه و کربلا جمع بشوند و جگرگوشه همین پیغمبر را با آن وضع فجیع به خاک و خون بکشند؟ آدم باید به فکر فروبرد که چرا این طوری شد...؟ اگر خواص در هنگام خودش کاری را که تشخیص دادند، عمل کردند، تاریخ نجات پیدا می کند و حسین بن علی ها دیگر به کربلاها کشانده نمی شوند. اگر خواص بد فهمیدند، دیر فهمیدند و با هم اختلاف کردند،... معلوم است که در تاریخ، کربلاها تکرار خواهد شد.»^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲۲ تیر ۱۳۷۱.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲ خرداد ۱۳۷۵.

۵. درس عدالت خواهی و مبارزه با ظلم

امام حسین علیه السلام در نامه‌ای به مردم کوفه، یکی از اهدافش را جلوگیری از ظلم و ستم ظالمان و اجرای عدالت بیان می‌کند و می‌فرماید: «بی‌شک می‌دانید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیاتش فرمود: 'هرکس حاکم ظالمی را مشاهده کند که [در اثر ظلم و جور] محرمات الهی را حلال شمرده و عهد و پیمان‌های الهی را شکسته و با سنت و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مخالفت کرده و در میان بندگان خدا با گناه و دشمنی عمل می‌کند و در مقابل چنین حاکم ستمگری هیچ‌گونه عکس‌العمل گفتاری یا رفتاری از خود بروز ندهد، خداوند چنین انسانی را در جایگاه همان ظالم ستمگر داخل می‌کند [و سرنوشت هر دو یکی است].'»^۱

امام حسین علیه السلام در این نامه که ظاهراً خطاب به مردم کوفه، اما در حقیقت مخاطب آن همه انسان‌های آزاده جهان است، پیام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در مبارزه با ظلم و ستم و بی‌عدالتی بیان می‌کند و ضمن اعلان هدف قیامش، همه را به همکاری در این مبارزه دعوت می‌کند.^۲ «و نتیجه چنین قیامی پیروزی حق بر باطل و عدالت بر ظلم

۱. «أَمَا تَعُدُّ فَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَجْلًا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ يَقُولَ وَلَا يَفْعَلْ، كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ» (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲).

۲. آیت الله مکارم شیرازی: «<http://www.makarem.ir>»

خواهد بود؛ چنان که در واقعه عاشورا در نهایت، پیروزی از آن سیدالشهدا بود.^۱ «سیدالشهدا علیه السلام وقتی می بیند که یک حاکم ظالمی، [حاکم] جائری در بین مردم دارد حکومت می کند، تصریح می کند که ظلم دارد به مردم می کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند، هر قدر که می تواند، با چند نفر، با چندین نفر... مگر خون ما رنگین تر از خون سیدالشهداست؟ ما چرا بترسیم از اینکه خون بدهیم یا اینکه جان می دهیم؟ آن هم در ماجرای دفع سلطان جائری که می گفت مسلمانم. مسلمانی یزید هم مثل مسلمانی شاه بود. اگر بهتر نبود، بدتر نبود؛ لکن چون با ملت این طور می کرد و مردی بود ظالم و ملت را می خواست زیر بار اطاعت خودش بی جهت ببرد، سیدالشهدا لازم دید که سلطان جائرا سراغش برود، ولو اینکه جان بدهد.»^۲

همیشه این سؤال مطرح بوده که چرا امام حسین علیه السلام قیام کرد؟ چرا خاندان اهل بیت علیهم السلام تا آخرین فردشان به شهادت رسیدند و حتی طفل شیرخوار نیز شربت شهادت نوشید؟ این گونه پرسش ها همواره مورد بحث و گفت و گو بوده است... در تبیین قیام حضرت سیدالشهدا علیه السلام باید بگوییم که قیام آن حضرت در واقع، نوعی دفاع و جهاد دفاعی شمرده می شود... در زمان آن حضرت، کسانی در مصدر حکومت بودند که گرچه در ظاهر نام اسلام و حکومت اسلامی را یدک می کشیدند، اما حکومت

۱. امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۷.

۲. بیانات امام خمینی رحمته الله علیه، ۳ آبان ۱۳۵۷؛ امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۱۸.

آن‌ها در واقع دولت کفر و دولت نفاق بود که قلباً تمایلی به اجرای احکام اسلامی نداشت. بنی‌امیه که به نام اسلام حکومت می‌کردند و خود را خلیفهٔ مسلمانان و جانشین پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانستند، در باطن نه اعتقادی به باورهای اسلامی و نه دغدغه‌ای برای اجرای احکام اسلامی داشتند. بنابراین چنین دولتی تنها اسمی از اسلام داشت، ولی واقع آن، چیزی جز کفر و نفاق نبود. با این وجود، عموم مردم آن زمان از این امر بی‌اطلاع بوده و فریب تبلیغات دولت به ظاهر اسلامی دستگاه بنی‌امیه را خورده بودند. در چنین وضعیتی قیام علیه دستگاه بنی‌امیه در نزد مردم به عنوان قیام علیه دولت اسلامی و عملی غیر جایز و حرام تلقی می‌شد!

امام حسین علیه السلام که حدود بیست سال در شهر مدینه می‌زیست، نتوانست مردم شهر خویش را که پای منبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بزرگ شده بودند، قانع سازد تا آنان در مقابل دولت غیر اسلامی بنی‌امیه، قیام و از دین و ارزش‌های اسلامی دفاع کنند. آن حضرت بیست سال زحمت کشید که ده سال آن در زمان حیات امام حسن علیه السلام و ده سال دیگر پس از شهادت آن حضرت بود. این فعالیت‌ها که به صورت تدریجی و آرام‌آرام صورت پذیرفت، تنها تعداد کمی از مردم مسلمان کشورهای اسلامی را آگاه ساخت. سخن امام حسین علیه السلام این بود که مسلمانان نباید در مقابل قدرت شیطانی که در شام به وجود آمده، آرام بنشینند؛ چه اینکه این دولت، اسلام را به بازی گرفته و در صدد احیای احکام اسلامی نیست. به هر حال مردم به تدریج متوجه

رفتار سوء و عملکرد غیراسلامی دستگاه بنی‌امیه شده و دریافتند آنان اساساً با اسلام بیگانه هستند.^۱

۶. درس شجاعت

«یکی از ویژگی‌های انبیای الهی، شجاعت به معنی دلیری و دلوری است که حد وسط بی‌باکی و ترس قرار داده‌اند که نمونه کامل آن [را] در اهل بیت و امام حسین علیه السلام می‌توان مشاهده کرد که در زیارت‌نامه حضرت با الفاظی مانند «بطل المسلمین»، «فرسان الهیجاء»، «لیوث الغابات»، «قهرمان مسلمانان»، «تک‌سواران نبرد»، «شیران بیشه شجاعت» اشاره رفته است. بر همین اساس، یکی دیگر از درس‌های عاشورا، درس فداکاری و دین‌داری و شجاعت و مواسات و درس قیام لله و درس محبت و عشق است. یکی از درس‌های عاشورا، همین انقلاب عظیم و کبیری است که شما ملت ایران پشت سر حسین زمان و فرزند ابی‌عبدالله‌الحسین علیه السلام انجام دادید. خود این، یکی از درس‌های عاشورا بود.»^۲

یکی دیگر از نمونه‌های شجاعت، خوابیدن حضرت علی علیه السلام در بستر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در شب هجرت بود. این جانبازی به اندازه‌ای ارزشمند بود که خداوند متعال در قرآن آن را ستود و آن را جانبازی در راه کسب رضایت الهی نامید؛ چنان‌که به نقل بسیاری از مفسران، این آیه در این

۱. محمدتقی مصباح یزدی، نظریه حقوقی اسلام، ج ۱، ص ۱۳۱ و ۳۱۲.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۷.

مورد نازل شده است: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَئُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ برخی از مردم با خدا معامله می‌کنند و جان خود را برای رضایت او از دست می‌دهند و خدا با بندگان خود مهربان است. مرحوم کاشف الغطا می‌فرماید: «خوابیدن علی بن ابی طالب علیه السلام در جای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در لیلۃ المبیت، شجاعانه‌تر از کار امام حسین علیه السلام در روز عاشورا بود.»^۲ حسین بن علی علیه السلام شمشیر به دست می‌جنگید و می‌کشت؛ ولی علی بن ابی طالب علیه السلام حاضر شد بدون شمشیر، در جای پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بخوابد و چهل مسلح بر او بتازند که ممکن بود او را تکه تکه کنند؛ در حالی که او هیچ قدرت دفاعی نداشت. البته امام حسین علیه السلام نیز اگر در موقعیت امیر مؤمنان، علی علیه السلام قرار می‌گرفت، همان کار را می‌کرد؛ لیکن این جریان برای حسین بن علی علیه السلام به فعلیت نرسید.^۳

قیام سالار شهیدان بر پایه امید و معقول و مقبول انجام شد. چنین امیدی با احتمال صرف تفاوت دارد؛ زیرا قیام معقول شجاعانه و مقبول است و قیام خام آرزومندانه، نامعقول و متهورانه. شجاعت کمال است و تهوژ نقص. کسی که به آرزوی پیدا کردن گوهر در دریایی که گوهرداری

۱. بقره، ۲۰۷.

۲. نک: حاکم حسکانی، شواهد التنزیل؛ سید مرتضی فیروزآبادی، ینابیع الموده؛ فضائل الخمسه.

۳. عبدالله جوادی آملی، شمیم ولایت، ص ۴۴.

آن مشکوک است، غواصی می‌کند، آرزویش به وهم وابسته است، نه عقل؛ زیرا معلوم نیست که در آن دریا گوهری باشد. احتمال معقول باید در پی امید واثقی باشد؛ یعنی اصل وجود چیزی احراز شود و نیز یافتن آن محتمل باشد. غواصی که می‌داند در دریا گوهری هست و احتمال یافتن آن وجود دارد، غواصی اش خردمندانه است؛ بنابراین، بین امید معقول و آرزوی نامعقول و نیز بین شهامت و بی‌باکی فرق است.^۱

«امتداد برکات عاشورا تربیت شهیدانی مثل شهید سلیمانی بود. شهید سلیمانی مظهر شجاعت، مقاومت، درایت، تیزهوشی، فداکاری و معنویت، دارای درایت و تیزهوشی بود. خیلی تیزهوش بود. [در این باره] خیلی نکات هست. این مسئله بروز یک جریان به ظاهر مذهبی متمایل به یکی از فرقه‌ها و علیه مقاومت را ایشان مدت‌ها قبل پیش‌بینی کرد که به من گفت. گفت [طبق] آن چیزی که من دارم می‌بینم، در وضع دنیای اسلام، اسم آورد از بعضی از کشورها، یک جریانی دارد به وجود می‌آید. بعد از مدتی، داعش به وجود آمد. آدم بادرایتی بود، آدم باهوشی بود. در ادارهٔ اموری که با کشورها ارتباط داشت و او در آن‌ها دخیل بود، با کمال عقل و درایت رفتار می‌کرد. این را بنده کاملاً حس می‌کردم. خب، ما دائماً در حال ارتباط بودیم، در مسائل گوناگون. بادرایت بود.»^۲

۱. عبدالله جوادی آملی، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۱۹۱.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲۶ آذر ۱۳۹۹.

۷. پاسداری از اسلام و ارزش‌های اسلامی

«ارزش‌ها نمایانگر عقاید و اعتقادات یک ملت است که به‌عنوان رفتار برتر شناخته می‌شود که حیات جامعه دینی در گرو حفظ ارزش‌هاست. بر همین اساس، عدول از مبانی و عدول از ارزش‌ها جایز نیست. اهداف، اهداف الهی است و هیچ تردید، شک یا ارتدادی از این اهداف جایز نیست؛ اما در روش‌ها بایستی تکامل، اصلاح، تغییر و رفع خطا، جزو کارهای دائمی و برنامه‌های همیشگی ما باشد. ببینیم کدام روش ما، ولو به آن عادت کرده باشیم، غلط است. آن را عوض و اصلاح کنیم. باید مراقب باشیم که جای این تعبیرات عوض نشود؛ یعنی ما در زمینه اهداف می‌گوییم استقامت. باید جای «هدف» را با «روش» اشتباه نکنیم. استقامت در روش‌ها لازم نیست، استقامت در اهداف لازم است. در کار روش‌ها، آزمون و خطا جاری است. البته باید از تجربه‌ها استفاده کنیم که آزمون ما آزمون موفقی باشد و نخواهیم که دائم تجربه کنیم و پشت سر هم اشتباه. اما در زمینه اهداف، بایستی قرص و محکم بایستیم و یک قدم پایین نیاییم.»^۱

«معنای محرم در منطق شیعی و فرهنگ اسلامی، نثار خون، شهید شدن و قیام در راه آرمان حقی است که برای همه انسان‌ها و انسانیت‌ها

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲۱ خرداد ۱۳۹۲.

ارزشمند است.»^۱ اگر مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام نبود، معلوم نبود امروز چیزی از دین باقی مانده باشد و اگر بقیه ارکان و آموزه‌های دین نیز احیا شده است، به برکت همین مجالس ابی عبدالله علیه السلام است.^۲

۸. درس دشمن شناسی

درس دیگر عاشورا، «دشمن شناسی» است. باید برای مردم باایمان یک حس ششم درست کنیم؛ یعنی اینکه آن‌ها دشمن شناس شوند. بعضی‌ها دچار یک حالت عام‌نگری در شناخت اشخاص و گروه‌ها هستند. برگه‌های سیاه پرونده‌های زندگی اشخاص نباید به این آسانی از دسترس محاسبه مردم جامعه‌های مذهبی دور رود و به دست فراموشی سپرده شود.^۳

غافل‌نشدن از دشمن، فریب‌نخوردن از ترفندهای دشمن خیلی مهم است. آن روز خیلی‌ها بودند که ظواهر، آن‌ها را کور کرده بود و نمی‌توانستند باطن امر را ببینند. خیلی‌ها بودند که خیال می‌کردند باید در مقابل آن وضع ساکت بمانند؛ چون خیال می‌کردند علی‌الظاهر دین محفوظ است. حسین بن علی دشمن را لابه‌لای این ظواهر شناخت.

۱. مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، آفتاب در مصاف؛ برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ص ۴۲.

۲. سخنان آیت‌الله مصباح یزدی، ۱۸ مهر ۱۳۹۷.

۳. سید محمد بهشتی، ولایت رهبری روحانیت، ص ۱۲۶.

دشمن‌شناسی چیز مهمی است؛ اشتباه‌نکردن در شناخت دشمن. یکی از مشکلات مبارزین پیش از انقلاب این بود که دشمن‌های غیرواقعی را به مبارزان تازه‌کار معرفی کنند و نگذارند دشمن واقعی بیاید یک چیزی را به‌عنوان دشمن علم کند و آن‌ها را فریب بدهد. آن روز مبارزین حقیقی کسانی بودند که در گردوغباری که به دست خود دستگاه به وجود آمده بود، می‌توانستند چهره دشمن واقعی را تشخیص بدهند. امروز هم این آگاهی و این هوشیاری لازم است.^۱

«آنچه وظیفه ما به‌عنوان مردم، به‌عنوان آحاد جمهوری اسلامی است: اولاً دشمن‌شناسی است. دشمن را [بشناسیم]، در شناخت دشمن اشتباه نکنید. نگوئید که خب همه می‌دانیم. بله، شما می‌دانید که دشمن کیست. دشمن استکبار است، دشمن صهیونیسم است، دشمن آمریکا است. این‌ها را شما می‌دانید؛ اما تلاش وسیعی دارد انجام می‌گیرد برای اینکه این قضیه را به‌عکس کنند، نظر مردم را عوض کنند، با شیوه‌های پیچیده تبلیغاتی. همه باید مراقب باشند. دشمن‌شناسی بسیار مهم است. یکی این. بعد، دانستن نقشه دشمن [است]. دشمن چه کار دارد می‌کند؟ چه کار می‌خواهد بکند؟ و بعد، دانستن شیوه مقابله با نقشه دشمن. این را باید مردم ما بدانند.»^۲

۱. مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، آفتاب در مصاف؛ برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ص ۲۲۹.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۸ دی ۱۳۹۸.

«دشمن می خواهد جوان های کشور ما بی انگیزه باشند، بی ایمان باشند، بی امید باشند، اسیر شهوات باشند، تنبل باشند، بی کاره باشند، نق بزنند، کار نکنند، دچار اعتیاد باشند، شکننده باشند. جوان های کشور را این جور می خواهند. هدف کارهایی که دارند روی جوان های ما انجام می دهند، این هاست؛ درست نقطه مقابل آن چیزی که ما لازم داریم.»^۱

۹. عزت مداری در برابر دشمن

«عزت دوری از ظلم و ستم ناپذیری در برابر مستکبران است. یکی از درس های عاشورا، عزت مداری در برابر دشمن است. و نهایت تجلی عزت را می توان در واقعه کربلا مشاهده کرد. سه عنصر در حرکت حضرت ابی عبدالله علیه السلام وجود دارد: عنصر منطق و عقل، عنصر حماسه و عزت و عنصر عاطفه ... عنصر دوم، حماسه است؛ یعنی این مجاهدتی که باید انجام بگیرد، باید با عزت اسلامی انجام بگیرد؛ چون «العزة لله و لرسوله و للمؤمنین». مسلمان در راه همین حرکت و این مجاهدت هم، بایستی از عزت خود و اسلام حفاظت کند. در اوج مظلومیت، چهره را که نگاه می کنی، یک چهره حماسی و عزتمند است. اگر به مبارزات سیاسی نظامی گوناگون تاریخ معاصر خودمان نگاه کنید، حتی آن هایی که تفنگ گرفته اند و به جنگ رویاروی جسمی اقدام کرده اند، می بینید که گاهی اوقات خودشان را ذلیل کردند! اما در منطق عاشورا، این مسئله

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۶ آذر ۱۳۹۸.

وجود ندارد. همانجایی هم که حسین بن علی علیه السلام یک شب را مهلت می‌گیرد، عزتمندانه مهلت می‌گیرد. همانجایی هم که می‌گوید: «هل من ناصرٍ»، استنصار می‌کند، از موضع عزت و اقتدار است. آنجایی که در بین راه مدینه تا کوفه با آدم‌های گوناگون برخورد می‌کند و با آن‌ها حرف می‌زند و از بعضی از آن‌ها یاری می‌گیرد، از موضع ضعف و ناتوانی نیست. این هم یک عنصر برجسته دیگر است. این عنصر در همه مجاهداتی که رهروان عاشورایی در برنامه خود می‌گنجانند، باید دیده شود. همه اقدام‌های مجاهدت‌آمیز، چه سیاسی، چه تبلیغی، چه آنجایی که جای فداکاری جانی است، باید از موضع عزت باشد. در روز عاشورا، در مدرسه فیضیه، چهره امام را نگاه کنید. یک روحانی‌ای که نه سرباز مسلح دارد و نه یک فشنگ در همه موجودی خود دارد، آن چنان با عزت حرف می‌زند که سنگینی عزت او، زانوی دشمن را خم می‌کند. این موضع عزت است. امام در همه احوال همین‌طور بود؛ تنها، بی‌کس، بدون عده و عده، اما عزیز. این چهره امام بزرگوار ما بود. خدا را شکر کنیم که ما در زمانی قرار گرفتیم که یک نمونه عینی از آنچه را که بارها و سال‌ها گفته‌ایم و خوانده‌ایم و شنیده‌ایم، جلوی چشم ما قرار داد و به چشم خودمان او را دیدیم و او، امام بزرگوار ما بود.»^۱

والله و بالله ما در برابر این قضیه مسئولیم. به خدا قسم مسئولیت

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۵ بهمن ۱۳۸۸.

داریم. به خدا قسم ما غافل هستیم. والله قضیه‌ای که دل پیغمبر اکرم را امروز خون کرده است، این قضیه است. داستانی که دل حسین بن علی را خون کرده، این قضیه است. اگر می‌خواهیم به خودمان ارزش بدهیم، اگر می‌خواهیم به عزاداری حسین بن علی ارزش بدهیم، باید فکر کنیم که اگر حسین بن علی امروز بود و خودش می‌گفت برای من عزاداری کنید، می‌گفت چه شعاری بدهید؟ آیا می‌گفت بخوانید: «نوجوان اکبر من» یا می‌گفت بگویید: «زینب مضطرب الوداع، الوداع»؟ [یعنی همان چیزهایی که من امام حسین ع در عمرم هرگز به این جور شعارهای پست و کثیف ذلت‌آور تن‌ندادم و یک کلمه از این حرف‌ها نگفتم. اگر حسین بن علی بود، می‌گفت اگر می‌خواهی برای من عزاداری کنی، برای من سینه و زنجیر بزنی، شعار امروز تو باید فلسطین باشد. شمر امروز موشه دایان است. شمر ۱۳۰۰ سال پیش مُرد، شمر امروز را بشناس^۱.

۱. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۶۸.

فصل سوم

اربعین، نمادی از امتداد عاشورا تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی

«اربعین حسینی نمادی از امتداد عاشورا و انعکاس قیام امام حسین علیه السلام پیام آور عاشورایی برای جهانیان است. راه پیمایی اربعین قوّت اسلام است، قوّت حقیقت است، قوّت جبهه مقاومت اسلامی است که این جور اجتماع عظیم میلیونی به سمت کربلا، به سمت حسین، به سمت قله راه می افتند و اوج افتخار فداکاری و شهادت است که همه آزادگان عالم باید از او درس بگیرند. از روز اول هم که اربعینی به وجود آمد، اهمیت اولین اربعین به همین اندازه بود. اهمیت اربعین اول این بود که رسانه پُر قدرت عاشورا است. از روز عاشورا تا روز اربعین، بنا بر یک روایت روزی است که اهل بیت برگشتند به کربلا، این چهل روز، چهل روز فرمانروایی منطق حق در میان دنیای ظلمانی حاکمیت بنی امیه و سفیانی ها بود. رسانه حقیقی [یعنی] فریاد زینب کبری، فریاد حضرت سجاد. در کجا؟ در کوفه، در شام، در آنجایی که ظلمات محض بود. این ها بزرگ ترین

رسانه بود. همین‌ها بود که عاشورا را نگه داشت، همین‌ها بود که عاشورا را به امروز رساند. تاریخ و ریشه این روزِ اربعین و ماجرای اربعین این است. آن روز اهل بیت علیهم‌السلام طوفانی به پا کردند با این حرکت چهل‌روزه. یک طوفان به پا شد در آن اختناق عجیب. در آن روزگار، اختناق این قدر است که دوروبر امام حسین، فرزند پیغمبر، نوۀ پیغمبر، جگرگوشۀ زهرای اطهر، ۷۲ نفر بیشتر باقی نمی‌مانند. در یک چنین روزگاری، ماجرای توابین را در کوفه به وجود آورد، مدینه را منقلب کرد، شام را منقلب کرد، به طوری که رژیم سفیانی برفاتاد. این حرکت عظیم اربعینِ زینب کبری و اهل بیت علیهم‌السلام بود.^۱

این مراسم باشکوه اربعین از سوگند زینب کبری علیها‌السلام نشئت می‌گیرد. او عالمۀ غیرمعلمه است. زینب کبری سوگند یاد کرد: «قسم به خدا نمی‌توانید نام ما را فراموش کنید، وحی ما را از بین ببرید، نام ما تا ابد زنده است.»^۲ زیارت اربعین نشان می‌دهد که امام حسین علیه‌السلام دو کار را با خون دادن انجام داده است. یکی اینکه مردم را عالم کرده است و دیگری اینکه مردم را عاقل کرده: «العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان.» اولاً مردم را اهل جزم و استدلال و برهان کرده است که خوب می‌فهمند و ثانیاً اهل عزم و اراده و تصمیم کرده است که خوب تصمیم

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام، ۲۱ مهر ۱۳۹۸.

۲. آیت‌الله جوادی آملی، درس اخلاق، ۸ آذر ۱۳۹۴.

می‌گیرند. امام حسین علیه السلام با دستی، جزم علمی مردم را تأمین کرده است و با دستی عزم مردم را بالا برده و بیمه کرده است. «و بذل مهجته فیک، لیستنقذ عبادک من الجهالة و حيرة الضلالة» این‌ها در جامعه‌کردن جامعه اثر دارد. جامعه یعنی عزم و جزم، یعنی علم و عمل. فردی که جمع بین علم و عمل کرده است، «جهانی است بنشسته در گوشه‌ای». این می‌شود جامعه.^۱

۱. حرکت اربعین حرکتی در استحکام رابطه قلبی با امام

وقتی با پای پیاده، به سمت سیدالشهدا علیه السلام قدم برمی‌داریم و تمرکز و توجه ما به یک جهت و سمت است، محبت ما نیز به اباعبدالله علیه السلام بیشتر می‌شود. به عبارت بهتر، اگر اهل کربلا بودیم و هر روز به زیارت می‌رفتیم، معلوم نبود فایده آن به اندازه وقتی باشد که انسان با پای پیاده برای زیارت حسین قدم برمی‌دارد؛ چراکه این پیاده‌روی از محبت و معرفت سرچشمه می‌گیرد و چون همه مسیر، توجه و تمرکز به سمت حسین علیه السلام است، بیشتر می‌تواند محبت نسبت به ایشان را افزایش دهد. وقتی انسان چند روز از همه آنچه که دوست دارد، دل می‌کند و برای دیدن اباعبدالله علیه السلام، بلکه فقط دیدن صحن و سرا و در و دیوار حرمش، همه سختی‌های پیاده‌روی را برای خود هموار می‌کند، طبیعتاً

۱. درسی از زیارت اربعین در بیان حضرت آیت‌الله جوادی آملی: «<http://www.neshasteasatid.com/node/1704>»

نشان از معرفت و توجه و تمرکز بر معشوق است و همین توجه، محبت انسان را بیشتر می‌کند.

اگر کسی بگوید زائر امام حسین علیه السلام در اربعین که با پای پیاده و با توجه، خود را به کربلا می‌رساند، محبتش نسبت به سیدالشهدا چند برابر می‌شود، سخن گزافی نگفته است. حال آیا تصور چنین چیزی ممکن است که امام حسین علیه السلام به زائرش که سختی را به جان خریده و کارهای خود را تعطیل کرده تا به زیارت او بیاید، بی‌اعتنایی کند؟! وقتی آن‌ها یک سلام خشک و خالی که از راه دور داده شود را بی‌پاسخ نمی‌گذارند، چگونه ممکن است چند روز توجه خالصانه و تحمل سختی را نادیده بگیرند؟ بدانیم که یک زیارت خالصانه بسیاری از مشکلات جسمی و روحی را حل می‌کند.^۱

۲. حرکت اربعین حرکتی برای سپاسگزاری از امام حسین علیه السلام

در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام که وارث پیامبران الهی است، آمده است: «و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الضلالة.»^۲ یعنی هدف سالار شهیدان علیه السلام از قیام و شهادت، رهایی مردم از جهل و عالم شدن و به‌کارگیری علم از سوی آنان بود.^۳ آن بزرگواران راهنمایان

۱. درس آیت‌الله مصباح یزدی، ۲۴ مهر ۱۳۹۷.

۲. عباس قمی، مفاتیح الجنان.

۳. عبدالله جوادی آملی، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۱۳۷.

حقیقی بشوند که همانند شمع سوختند تا روشنگر حیات طیبهٔ انسانی و الهی جوامع بشری باشند. آنان تمامی سختی‌ها را به جان خریدند، از هیچ امر دشوار و سختی، هراس به خود راه ندادند و با صلابت و عزت، برترین تعالیم و آموزه‌های آسمانی را در زیباترین جلوه و چهره، در کمال دل‌سوزی و محبت و بدون توقع هیچ اجر و مزدی، به نمایش گذاشتند و بشر را بدان فراخواندند و دشمنان آن را دفع کردند. این [مصیبت] و ده‌ها نمونهٔ دیگر از رخدادهای گدازندهٔ دنیا را تحمل کردند تا جوامع انسانی را از مرداب شهوت سرکشی و غضب عصیانگر نجات بخشند و به بستان عقل و گلستان قلب بنشانند. این حق عظیمی است که هیچ‌کس نمی‌تواند به کنه و نهایتش راه برد. باورداشتن این حق و تصدیق آن، یکی از گزاره‌های برجستهٔ زیارت‌هاست و از آنجا که شکر مخلوق گذرگاه شکر خالق است، لزوماً باید از آن‌ها قدردانی شود؛ از این رو در صحف نورانی زیارات به سه امر توجه داده می‌شود.

یکم: بیان خدمات و زحمات طاقت‌فرسای آنان برای احیای معارف و احکام اسلامی و جوامع دینی. در زیارت اربعین حسینی می‌خوانیم:

«فَأَعَذَّرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنَحَ التُّصَحُّحَ وَبَدَّلَ مُهَجَّتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ... فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى شَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ.» [حسین بن علی ع] در طلب و کوشش، عذر را به پایان رسانید و نصایح خود را به نحو احسن

ابلاغ کرد و خون دلش را در راه تو عطا کرد تا اینکه بندگان را از نادانی و ضلالت و گمراهی نجات بخشد... او در این راه با همه وجود در مقابل دشمنان صبر کرد تا اینکه خورش در راه اطاعت تو بر زمین ریخت و حریم و حرمتش شکست.^۱ خداوند متعال نام و یاد و راه و روش مجاهدان و ناصران دینش را فراموش نخواهد کرد و این گونه نیست که گروهی در راه خدا و دین او و آزادسازی و اصلاح جامعه انسانی و اسلامی جان و مال نثار کنند و به کشتن، کشته شدن یا اسارت تن در دهند و پروردگار عالم نام و کار آنان را به دست نسیان بسپارد و از این رو قطعاً عده‌ای در مسیر زنده نگاه داشتن این سنت و قانون الهی حرکت می‌کنند تا ضمن بزرگداشت یاد و نام آنان، هدف مقدس و راه ارزشمند آنان را احیا کنند تا برای آنان در دنیا نام نیک و در آخرت پاداش مضاعف باقی باشد.

دوم: باور قلبی و تصدیق لسانی به اینکه این جریان، حق عظیمی برای آن اولیا و موالیان والا ایجاد می‌کند و این حق به حدی عظیم است که نمی‌توان به گنه آن پی برد. در دعای بعد از نماز زیارت حضرت زهرا علیها السلام می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ... وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيْهِمُ الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ...»^۲ (بارالها سوگند به حق عظیمی که بر اهل بیت داری و کسی

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۰۱.

جز تو ژرفای آن را نمی داند و به حق عظیمی که آن ها در نزد تو دارند، از تو می خواهیم... که بر محمد و آل محمد درود فرستی و گشایشی در امر آل محمد و شیعیان و دوستانشان قرار دهی.)

سوم: طلب رفعت مقام و علو درجات برای آن سفیران الهی و پیام آوران صلح و سعادت. این طلب مغفرت و رحمت ضمن انجام وظیفه و ادای حق و ضمن اینکه موجب جلب محبت و هدایت الهی برای خود ما و باعث پوشیده شدن گناهان می شود، «وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا»^۱ زمینه مناسبی برای عنایت و توجه خاص پروردگاری به اهل بیت و مایه استمرار رحمت و ادامۀ فیض الهی که موجب خشنودی و رضای اهل بیت علیهم السلام است نیز خواهد بود.^۲

۳. اربعین؛ ایستادگی در مقابل استکبار

«ماجرای اربعین هم یک مقابله و مقاومت مقابل رژیم استکباری است؛ یعنی حرکت خاندان امام حسین علیه السلام از هرجا که بودند، از شام یا از مدینه، به کربلا، برای زنده کردن حادثه عاشورا، حادثه مقاومت و حادثه شهادت بود. این حوادث به هم پیوند خورده است. چیزی که ما از معانی بی شمار این حوادث می توانیم امروز برای پیشرفت انقلابمان

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۵۹؛ عبدالله جوادی آملی، فلسفه زیارت، ص ۱۱۴.

۲. عبدالله جوادی آملی، فلسفه زیارت، ص ۱۱۲.

استفاده کنیم، این است که مقاومت در برابر قدرت‌های شیطانی، زمان و مکان و قشر معینی از جامعه و شرایط گوناگون اجتماعی و جهانی نمی‌شناسد. این همان رازی است که به سبب عدم توجه به آن، خیلی‌ها در تاریخ گذشته و هم در تاریخ ما دچار سازش‌کاری و محافظه‌کاری و عقب‌نشینی در برابر قدرت‌ها شدند؛ چون این راز را نمی‌شناختند. یعنی این احساس را نداشتند که مقاومت و اصرار بر ارزش‌های پذیرفته شده، شرایط مساعد و نامساعد نمی‌شناسد؛ همیشگی است، همه‌جایی است و همه‌کسی است.^۱

«برادران و خواهرانم، جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است، رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب می‌دانید منزه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است. دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله الحرام و مدینه حرم رسول الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و

۱. مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، آفتاب در مصاف؛ برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ص ۱۳۲.

مشهد باقی نمی ماند. قرآن آسیب می بیند.^۱

۴. نقش نهضت عاشورا در شکل گیری و بقای انقلاب اسلامی

«یکی از درس های عاشورا، همین انقلاب عظیم و کبیری است که شما ملت ایران پشت سر حسین زمان و فرزند ابی عبدالله الحسین علیه السلام انجام دادید. خود این، یکی از درس های عاشورا بود.»^۲ «این یک نهضتی الهی بود. نهضت مثل نهضت های آن هایی که به خدا اعتقاد ندارند یا آن هایی که نهضت هایشان نهضت های جهت مادی بوده است، نبوده است. نهضت ایران نهضتی بود که خدای تبارک و تعالی در آن نقش داشت و مردم به عنوان جمهوری اسلامی، به عنوان اسلام، به عنوان احکام اسلام در خیابان ها ریختند و همه گفتند ما این رژیم را نمی خواهیم و حکومت عدل اسلامی و جمهوری اسلامی می خواهیم.»^۳

«آن چیزی که در اینجا حاصل شد و باید آن را جزو معجزات حساب کنیم، همان انقلاب درونی این ملت بود. انقلاب درونی این ملت موجب شد که انقلاب پیدا شود و همان انقلاب درونی آن ها و شناخت آن ها از اسلام و توجه آن ها به خدای تبارک و تعالی موجب شد که در تمام این دوره ای که ما در آن هستیم، از اول که قیام شد و بعد به انقلاب مبدل شد

۱. وصیت نامه شهید سردار قاسم سلیمانی.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۷.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۶ خرداد ۱۳۵۸.

و به پیروزی رسید، تا الان، روزه‌روزی می‌بینید که حضور ملت و تعبد ملت رو به افزایش است. این نه برای انقلاب است، بلکه برای انقلاب درونی است... این موجب شد که انقلاب پیروز شد. پیروزی را باید از انقلاب درونی مردم جست‌وجو کنیم.^۱ بنابراین «ما نیاز داریم که بگوییم حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام چگونه حرکت کرد و چگونه جنگید. اصحاب ایشان چگونه ایثار و فداکای کردند. انقلاب ما اگر حسین علیه السلام را نداشته باشد، در جنگش باخته است. همان‌طور که امام حسین علیه السلام در صحرای کربلا با ۷۲ نفر در مقابل لشکر ۴۰ هزار نفره دشمن در محاصره نظامی، اقتصادی و... بود، امروز هم جنگ ما همان وضعیت را دارد.»^۲ و چنین نگاهی منجر به حرکت جهانی عاشورایی می‌شود؛ چراکه «کشوری که در قلب، اسم حسین را دارد، فرهنگ عاشورا را دارد، باید در زیست و فرهنگ، الگوی جهان شود.»^۳

۵. اندیشه عاشورایی امام خمینی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی

امام خمینی رحمته الله علیه نقش مؤثری در شکل‌گیری انقلاب اسلامی داشت؛ چراکه اندیشه‌های او برگرفته از اندیشه‌های عاشورایی بود. امام رحمته الله علیه

۱. امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۷۸ تا ۴۸۱.

۲. اظهارات منتشر نشده سردار سلیمانی، خبرگزاری تسنیم: «<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/06/26/2098438>»

۳. شهید سلیمانی: «<https://www.generalsoleimani.com>»

بر اساس اندیشه‌های اصلاح امت، امر به معروف [و] قیام علیه حکومت پادشاهی را شروع کردند؛ چنان که می‌فرماید: «مگر خون ما رنگین‌تر از خون سیدالشهداست؟ چرا بترسیم از اینکه خون بدهیم؟» اولین کار بزرگ امام، احیای اسلام بود. دویست سال است که دستگاه‌های استعماری سعی کردند تا اسلام به دست فراموشی سپرده شود. یکی از نخست‌وزیرهای انگلیس در جمع سیاست‌مداران استعماری دنیا اعلام کرده بود که «ما باید اسلام را در کشورهای اسلامی منزوی کنیم!» قبل و بعد از آن نیز پول‌های گزافی خرج شد تا اسلام در درجهٔ اول از صحنهٔ زندگی و در درجهٔ دوم از ذهن و عمل فردی انسان‌ها خارج شود؛ چون می‌دانستند این دین، بزرگ‌ترین مانع در راه چپاول قدرت‌های بزرگ و استکباری است. امام ما اسلام را دوباره زنده کرد و به ذهن و عمل انسان‌ها و صحنهٔ سیاسی جهان برگرداند.

دومین کار بزرگ او اعادهٔ روح عزت به مسلمین بود. این‌گونه نبود که اسلام صرفاً در بحث‌ها و تحلیل‌ها و دانشگاه‌ها و صحن جامع و زندگی مردم مطرح شود؛ بلکه بر اثر نهضت امام ما، مسلمان‌ها در همه جای عالم احساس عزت کردند.

سومین کار بزرگ او این بود که به مسلمان‌ها احساس درک امت اسلامی داد. قبل از این، مسلمان‌ها در هر جای دنیا که بودند، چیزی به نام «امت اسلامی» برایشان مطرح نبود و یا اصلاً جدی تلقی نمی‌شد.

امروز همهٔ مسلمانان در اقصای آسیا تا قلب آفریقا و تمام خاورمیانه و در اروپا و آمریکا، احساس می‌کنند که جزو یک جامعهٔ جهانی بزرگ به نام «امت اسلامی» هستند. امام احساس شعور نسبت به امت اسلامی را ایجاد کرد که بزرگ‌ترین حربه برای دفاع از جوامع اسلامی در مقابل استکبار است.

چهارمین کار بزرگ او، ازالهٔ یکی از مرتجع‌ترین و پلیدترین و وابسته‌ترین رژیم‌های منطقه و جهان بود.

کار پنجم او، ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام بود؛ چیزی که به ذهن مسلمانان و غیرمسلمانان خطور نمی‌کرد.

کار ششم او، ایجاد نهضت اسلامی در عالم بود. قبل از انقلاب اسلامی، در بسیاری از کشورها و از جمله کشورهای اسلامی، گروه‌ها و جوانان ناراضی‌ها و آزادی‌طلبان، با ایدئولوژی‌های چپ وارد میدان می‌شدند؛ اما بعد از انقلاب اسلامی، پایه و مبنای حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش، اسلام شد.

هفتمین کار بزرگ او، نگرشی جدید در فقه شیعه بود. فقاقت ما پایه‌های بسیار مستحکمی داشته و دارد. فقاقت شیعه، یکی از محکم‌ترین فقاقت‌ها و متکی به قواعد و اصول و مبانی بسیار مستحکمی است. امام عزیزمان این فقه مستحکم را در گستره‌ای وسیع و با نگرشی جهانی و حکومتی، مورد توجه قرار داد و ابعادش از فقه را برای ما روشن کرد که

قبل از آن روشن نبود.

کار هشتم او، ابطال باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام بود. در دنیا پذیرفته شده است که کسانی که در رأس اجتماعات قرار می‌گیرند، اخلاق فردی خاصی داشته باشند: تکبرورزیدن، برخوردار بودن از زندگی راحت و مسرفانه [و]...، امام ما این باور غلط را عوض کرد و نشان داد که رهبر محبوب و معشوق یک ملت و دیگر مسلمانان عالم، می‌تواند زندگی زاهدانه‌ای داشته باشد.

کار نهم او، احیای روحیهٔ غرور و خودباوری در ملت ایران بود.

و بالاخره دهمین کار بزرگ او، اثبات این نکته بود که «نه شرقی و نه غربی»، یک اصل عملی و ممکن است.^۱

اگر امام حسین علیه السلام چنین کاری را انجام نداده بود، هرگز انقلاب اسلامی ایران تحقق پیدا نمی‌کرد. انقلاب ما از قیام حضرت سیدالشهدا علیه السلام الگو گرفته است... این مکتب امام حسین علیه السلام است. چرا امام علیه السلام می‌فرمود: «آنچه داریم از امام حسین علیه السلام است»؟^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲۳ تیر ۱۳۶۸.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، در پرتو آذرخش، ص ۱۲۲.

فصل چهارم

بایدها و نبایدهای مجالس عزاداری عاشورایی

خاطره و یاد حسین بن علی علیه السلام یعنی نعمت مجالس عزا، یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌ها برای جامعه شیعی ماست.^۱ مجلس عزاداری ماه محرم، باید دارای سه ویژگی باشد: ۱. عاطفه را نسبت به حسین بن علی و خاندان پیغمبر بیشتر کند. علقه و رابطه و پیوند عاطفی را باید مستحکم‌تر سازد؛ ۲. نسبت به حادثه عاشورا، باید دید روشن و واضحی به مستمع بدهد؛ ۳. نسبت به معارف دین، هم ایجاد معرفت و هم ایجاد ایمان کند.^۲

با توجه به اهمیت عزاداری، گویندگان، وعاظ، مداحان، سرایندگان، همه باید توجه داشته باشند که این یک حقیقت عزیز است؛ حقایق ماجرای عاشورا را بازیچه نباید قرار داد. [این نباشد که] هرکسی یک چیزی به آن اضافه بکند، خرافه‌ای را به آن وصل بکند، کارهای

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۷ خرداد ۱۳۷۱.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۱۷ خرداد ۱۳۷۳.

غیرمعقول را به نام عزاداری انجام بدهد، این‌ها نباید باشد. این‌ها طرف‌داری از امام حسین نیست. یک وقتی ما راجع به مسئله قمه، مطلبی را گفتیم، یک عده‌ای گوشه‌وکنار صدایشان بلند شد که «آقا، این عزاداری امام حسین است؛ مخالفت با عزاداری امام حسین نشود!» این، مخالفت با عزاداری نیست؛ مخالفت با ضایع کردن عزاداری است. عزاداری امام حسین را نباید ضایع کرد. منبر حسینی، مجلس حسینی، محل بیان حقایق دینی، یعنی حقایق حسینی است. شعر در این جهت، حرکت در این جهت، نوحه و مدیحه در این جهت باید باشد. شما دیدید در آن محرم سال ۵۷، دسته‌جات سینه‌زنی در بعضی از شهرستان‌ها، مثل یزد و شیراز و جاهای دیگر، شروع شد و بعد هم گسترش به همه کشور پیدا کرد. سینه می‌زدند و حقایق روز را در نوحه‌های خودشان بیان می‌کردند. عزادای باید چنین باشد.

مرحوم شهید مطهری سال‌ها قبل از انقلاب در حسینیه ارشاد فریاد می‌کشید بدانید شمر امروز، اسم نخست وزیر آن روز اسرائیل، موشه دایان، را می‌آورد، اوست. واقع قضیه هم همین است. ما شمر را لعنت می‌کنیم، برای اینکه ریشه شمر شدن و شمیری عمل کردن را در دنیا بکنیم. ما می‌زید و عبیدالله را لعنت می‌کنیم، برای اینکه با حاکمیت طاغوت، حاکمیت

۱. «والله و بالله ما در برابر این قضیه مسئولیم. به خدا قسم مسئولیت داریم... اگر حسین بن علی بود، می‌گفت اگر می‌خواهی برای من عزاداری کنی، برای من سینه و زنجیر بزن، شعار امروز تو باید فلسطین باشد. شمر امروز موشه دایان است. شمر ۱۳۰۰ سال پیش مرد، شمر امروز را بشناس.»

یزیدی، حاکمیت عیش و نوش، حاکمیت ظلم به مؤمنین در دنیا مقابله کنیم. حسین بن علی قیامش برای این بود که [بینی] حاکمیت‌های علیه ارزش‌های اسلامی و انسانی و الهی را به خاک بمالد و نابود کند و همین کار را هم امام حسین با قیام خود کرد.^۱

امروز دنیا پر از ظلم و جور است. شما ببینید چه می‌کنند. در فلسطین چه می‌کنند، در عراق چه می‌کنند، با ثروت‌های ملی کشورها چه می‌کنند. ابعاد عظیم حرکت حسین بن علی علیه السلام شامل همه این میدان وسیع می‌شود. امام حسین نه فقط برای شیعه، نه فقط برای مسلمان‌ها، بلکه برای احرار عالم درس دارد.

رهبر آزادی بخش نهضت هند در شصت سال، هفتاد سال قبل، اسم حسین بن علی را آورد. گفت: «من از او یاد گرفتم.» در حالی که هندو بود. اصلاً مسلمان نبود. در بین مسلمین هم همین‌طور است. ماجرای امام حسین این است. شما گنجینه‌دار یک چنین جواهر ذی‌قیمتی هستید که همه بشریت می‌تواند از او بهره‌برد و استفاده کند.

جهت‌گیری در عزاداری امام حسین به این نحو باید باشد: گسترش تبیین، بیان، آگاه‌سازی، محکم‌کردن ایمان مردم، روح‌تدین را در مردم گسترش دادن، روح شجاعت و غیرت دینی را در مردم زیاد کردن، حالت بی‌تفاوتی و سرک و بی‌حالی را از مردم گرفتن. این‌هاست معنای قیام

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۱۹ دی ۱۳۶۸.

حسینی و بزرگداشت عزاداری امام حسین علیه السلام در زمان ما. لذا زنده است، همیشه هم زنده خواهد بود.

جنبه عاطفی آن هم تأثیرگذار بر روی عواطف و احساسات همه مردم است. جنبه عمقی و معنوی آن، صاحبان فکر و بصیرت را آگاه می‌کند، روشن می‌کند. بنده بارها در طول این سال‌ها این جمله امیرالمؤمنین علیه السلام را عرض کرده‌ام که فرمود: «ألا لا يحمل هذا العلم إلا أهل البصر والصبْر» این پرچم، پرچم انسانیت، اسلام، توحید، را آن کسانی که دارای این دو خصوصیت‌اند، می‌توانند بردست بگیرند و بلند نگه دارند: «البصر والصبْر» (بصیرت و استقامت). امام حسین علیه السلام مظهر بصیرت و استقامت است.^۱ وقتی بصیرت نباشد، دشمن به راحتی از عواطف مردم استفاده می‌کند. صبح عاشورا وقتی عمر سعد می‌خواست مردم را به سمت خیمه‌های ابی‌عبدالله حرکت بدهد، به اصطلاح نماز خواند و بعد گفت: «يا خَيْلَ اللهِ! اِرْكَبِي وَ بِالْحِجَّةِ أُبْشِرِي.» ای سواره نظام خدا، کسانی را که برای ریختن خون امام حسین علیه السلام جمع شده بودند، سواره نظام خدا خطاب می‌کرد، ای سواره نظام خدا، بر اسب‌هایتان سوار شده، حسین علیه السلام را بکشید و به بهشت بروید. راه بهشت رفتن، کشتن سیدالشهدا علیه السلام است^۲ و در نهایت نتیجه بی‌بصیرتی در تشخیص تکلیف

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲۵ خرداد ۱۳۹۰.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، آذرخشی دیگر، ص ۱۰۲.

شرعی، تیشه زدن به ریشه اسلام است.^۱

۱. پرداختن به مسائل روز در مجالس محرم

یکی از ضرورت‌ها در مجالس عزاداری، پرداختن به مسائل روز است و هیئت‌ها نمی‌توانند سکولار باشند. هیئت امام حسین سکولار ما نداریم! هرکس علاقه مند به امام حسین است، یعنی علاقه مند به اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است، اسلام مقاتله است، اسلام خون دادن است، اسلام جان دادن است؛ چنان‌که یکی از خصوصیات ائمه طاهرين این بوده که همه آن‌ها مبارزین و مجاهیدن فی سبیل الله بودند. یکی از ائمه طاهرين را سراغ ندارید که این‌ها در موضع مجاهدت و مبارزه قرار نداشته باشد.^۲

فهمیدن قضیه عاشورا فقط در تاریخ نیست. در هر زمانی باید دید عناصر تشکیل دهنده هویت یزیدی کجا پیدا می‌شود؟ آنگاه در مقابلش باید عناصر تشکیل دهنده هویت حسینی را به میدان آورد. منبر باید انسان ساز باشد، اندیشه ساز باشد. روضه و نوحه و سینه زنی باید فضا را از مسائل زنده حسینی، معرفت و آگاهی پر کند.^۳ قدمی انحرافی، مقدمه سقوط مذهب و احکام اسلامی و حکومت عدل الهی است. و از آن جمله،

۱. سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی، ۲۱ اسفند ۱۳۹۰.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲۲ آبان ۱۳۸۸.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲۳ فروردین ۱۳۸۷.

از نماز جمعه و جماعت که بیانگر سیاسی نماز است، هرگز غفلت نکنند که این نماز جمعه از بزرگ‌ترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است. و از آن جمله، مراسم عزاداری ائمه اطهار و به‌ویژه سید مظلومان و سرور شهیدان، حضرت ابی‌عبدالله الحسین، صلوات وافر الهی و انبیا و ملائکه الله و صلحا بر روح بزرگ حماسی او باد، هیچ‌گاه غفلت نکنند و بدانند آنچه دستور ائمه علیهم‌السلام برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است، تمام فریاد قهرمانانه ملت هاست بر سردمداران ستم‌پیشه در طول تاریخ الی‌الابد.

و می‌دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی‌امیه (لعنة الله عليهم) با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده‌اند، فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگه‌داشتن این فریاد ستم‌شکن است. و لازم است در نوحه‌ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق علیهم‌السلام، به‌طور کوبنده، فجایع و ستمگری‌های ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام به دست آمریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود، این خائنین به حرم بزرگ الهی (لعنة الله و ملائکته و رسله عليهم) است، به‌طور کوبنده، یادآوری و لعن و نفرین شود. و همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است، این مراسم سیاسی است که حافظ ملیت مسلمین، به‌ویژه شیعیان ائمه اثنی عشر علیهم‌السلام است.^۱

۱. امام خمینی رحمته‌الله، وصیت‌نامه.

۲. پرداختن به فلسفه و راز گریستن بر ابا عبدالله علیه السلام

آن‌ها که توصیه کردند که عزای حسین بن علی باید زنده بماند، برای این بوده که هدف حسین بن علی مقدس بود. حسین بن علی یک مکتب به وجود آورد، می‌خواست مکتبش زنده بماند. هرگز نمونه‌ای از یک مکتب عملی در دنیا پیدا نمی‌کنید که نظیر مکتب حسین بن علی علیه السلام باشد. اگر شما نمونه حسین بن علی را پیدا کردید، آن وقت بگویید چرا ما هرسال باید یاد او را تجدید کنیم؟ نظیر آنچه که در حسین بن علی در حادثه عاشورا، در آن ابتلا و مصیبت پیدا شد، از توحید، از جلوه ایمان، از جلوه خدانشناسی، از ایمان کامل به جان دیگر، از رضا و تسلیم، از صبر، از مردانگی، از طمأنینه نفس، از ثبات و استقامت، از عزت و کرامت نفس، از آزادی خواهی و آزادی طلبی، از اینکه در فکر انسان‌ها باشد، از اینکه در خدمت انسان‌ها باشد، اگر در دنیا نمونه‌ای پیدا کردید، آن وقت بگویید چرا ما نام حسین بن علی را زنده کنیم؟ [بدیل ندارد، مثل ندارد.]

زنده کردن نام و نهضت او برای این است که پرتویی از روح حسین بن علی بر روح ما و شما بتابد. اگر اشکی که ما برای او می‌ریزیم، در مسیر هماهنگی روح ما باشد، پرواز کوچکی است که روح ما با روح حسینی می‌کند. اگر ذره‌ای از همت او، ذره‌ای از غیرت او، ذره‌ای از حریت او، ذره‌ای از ایمان او، ذره‌ای از تقوای او، ذره‌ای از توحید او در ما بتابد و چنین اشکی از چشم ما جاری شود، آن اشک بی‌نهایت قیمت دارد. اگر گفتند «به اندازه بال

مگس هم باشد، یک دنیا ارزش دارد»، باور کنید. اما نه اشکی که برای نفله شدن حسین باشد، بلکه اشکی که برای عظمت حسین باشد، برای شخصیت حسین باشد. اشکی که نشانه‌ای از هماهنگی با حسین بن علی و پیروی کردن از او باشد، بله، یک بال مگس هم یک دنیا ارزش دارد.^۱

حسین را یک روز کشتند و سر او را از بدن جدا کردند، اما حسین که فقط این تن نیست. حسین که مثل من و شما نیست. حسین یک مکتب است و بعد از مرگش زنده تر می شود. دستگاه بنی امیه خیال کرد که حسین را کشت و تمام شد؛ ولی بعد فهمید که مرده حسین از زنده حسین مزاحم تر است، تربت حسین کعبه صاحب دلان است. زینب هم به یزید همین را گفت. گفت اشتباه کردی: «کد کیدک واسع سعیک، ناصب جهدک فوالله لا تمحواذ کرنا، ولا تمیت و حینا.» (هر نقشه‌ای که داری، به کار ببر؛ ولی مطمئن باش تو نمی توانی برادر مرا بکشی و بمیرانی. برادر من زندگی اش طور دیگر است. او نمرد؛ بلکه زنده تر شد.)^۲ نگذارید حادثه عاشورا فراموش شود. حیات شما، زندگی و انسانیت و شرف شما به این حادثه بستگی دارد. به این وسیله می توانید اسلام را زنده نگه دارید. پس ترغیب کردند که مجلس عزای حسینی را زنده نگه دارید و درست است. عزاداری حسین بن علی واقعاً فلسفه صحیحی دارد، فلسفه‌ای بسیار

۱. مرتضی مطهری، سخنرانی‌ها، تحریفات عاشورا.

۲. همان.

بسیار عالی هم دارد. هرچه ما در این راه کوشش کنیم، به شرط اینکه هدف این کار را تشخیص دهیم، بجاست. اما متأسفانه عده‌ای این را نشناختند.^۱

و فقط یک هدف در نظر بود: خدا و آئین خدا، اسلام و امت اسلام و مصالح امت اسلام که البته این نهضت جاودانه و زنده می‌ماند.^۲ گریه برای امام حسین علیه السلام اجر دارد؛ اما هر گریه‌ای پاداشی را که رسول خدا فرمودند [برابر با هزار حج و عمره مقبول] ندارد، بلکه این پاداش مخصوص گریه‌ای است که از سر معرفت باشد و این گریه از عشق به امام حسین علیه السلام که جلوه‌ای از عشق خداوند است، ناشی می‌شود.^۳

۳. پرداختن به سبک زندگی حسینی

یکی از چیزهایی که در این مجالس باید حتماً به فضل الهی دنبال بشود، مسئله سبک زندگی اسلامی است. من می‌خواهم خواهش کنم که برادران عزیز در مطالعات خودشان، در پیگیری‌های خودشان، روی مسئله سبک زندگی ائمه علیهم السلام و سبک زندگی اسلامی کار کنند. شعرای متعهد و برجسته ما این را به هنر شعر مزین کنند و در مجالس خوانده

۱. همان.

۲. سیدمحمد بهشتی، حماسه عاشورا در کلام شهدا، ص ۹۲؛ «http://www.bayanema.ir/news/12351»

۳. سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی، ۲۱ آذر ۱۳۸۹.

بشود تا فرهنگ‌سازی بشود. اگر بخواهیم سبک زندگی را به صورت درست در مقابل موج جبهه دشمن به حالت اسلامی برگردانیم، راهش این است؛ یعنی فرهنگ‌سازی باید بشود. ببینید شما در دعا می‌گویید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»^۱ خب «محیا» یعنی چه؟ «محیا» یعنی زندگی من را شبیه زندگی آن‌ها قرار بده؛ یعنی سبک زندگی. ما این را می‌خواهیم. این را از ما خواسته‌اند که بگوییم و بخواهیم و انجام بدهیم.

این مسئله سبک زندگی باید دنبال بشود. دشمن متأسفانه با استفاده از ضعف و خیانت سران وابسته نظام‌های اسلامی، از جمله در کشور ما، در طول سال‌های پیش از انقلاب، توانسته سبک زندگی خودش را رایج کند. ما اگر بی‌مبالاتی مشاهده می‌کنیم، اگر اسراف مشاهده می‌کنیم، اگر مشکلات گوناگون را در داخل کشور مشاهده می‌کنیم، این به خاطر دورافتادن از اخلاق اسلامی و از سبک زندگی اسلامی است. اگر بخواهیم سبک زندگی اسلامی را حاکم کنیم، باید فرهنگ‌سازی بشود. فرهنگ‌سازی به این وسیله انجام می‌گیرد و شما بهترین کسانی هستید که می‌توانید در میان مردم فرهنگ‌سازی کنید و به معنای واقعی کلمه جریان را به سمت اسلام برگردانید.^۲

۱. ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۱۷۸.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، ۲۶ بهمن ۱۳۹۸.

خلاصه و نتیجه‌گیری

۱. امام حسین علیه السلام نمونه انسان کاملی است که همه اوصاف اخلاقی در آن بزرگوار ظهور یافته است. یکی از ویژگی‌های امام حسین، اخلاص و بندگی است. بر همین اساس، کار امام حسین علیه السلام [و حماسه عاشورا]، از کارهایی است که یک سرسوزن ناخالصی در آن نیست.

۲. امام حسین علیه السلام در طول سفر کربلا، خدا را تنها تکیه‌گاه خودش می‌دانست و همواره این مطلب توحیدی را اعلام می‌کرد.

۳. هدف امام حسین علیه السلام انجام تکلیف بود. حضرت فرمود: «آن چیزی که خداوند برای ما در نظر گرفته است، خیر ماست، چه کشته بشویم، چه به پیروزی برسیم. ما داریم تکلیفمان را انجام می‌دهیم.»

۴. یکی از ویژگی‌های مکتب امام حسین، برپایی امر به معروف و نهی از منکر بود؛ چنان‌که امام علیه السلام دلیل نهضت را چنین بیان می‌کند: «اراده کرده‌ام تا امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار کنم.»

۵. یکی دیگر از درس‌های عاشورا توجه به پیوستگی و تداوم درگیری حق و باطل است که در جمله «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» نمایان است. «لازمه عاشورایی بودن، جانب‌داری از موضع حق و ایستادگی در مقابل باطل است.»

۶. یکی از ویژگی‌های امام، شجاعت است که در زیارت‌نامه حضرت با الفاظی مانند «تک‌سواران نبرد» و «شیران بیشه شجاعت» اشاره شده است.

۷. در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام آمده است: «و بذل مهجته فیک لیستتقد عبادک من الجهالة و حيرة الضلالة.» یعنی هدف سالار شهیدان علیه السلام از قیام و شهادت، رهایی مردم از جهل و عالم‌شدن و به‌کارگیری علم از سوی آنان بود.

۸. یکی از ضرورت‌ها در مجالس عزاداری، پرداختن به مسائل روز است و هیئت‌ها نمی‌توانند سکولار باشند و لازمه علاقه‌مندی به امام حسین، علاقه‌مندی به اسلام سیاسی، اسلام مجاهد، اسلام مقاتله است.

۹. مسئله سبک زندگی اسلامی یکی از مسائلی است که در این مجالس باید دنبال شود. اگر بخواهیم سبک زندگی اسلامی را حاکم کنیم، باید فرهنگ‌سازی بشود. فرهنگ‌سازی به وسیله مجالس اهل بیت علیهم السلام به دست می‌آید.

کتابنامه



- ◇ قرآن کریم.
- ◇ ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف: حیدری، ۱۳۷۶.
- ◇ ابوالفتح آمدی، عبدالواحدبن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الاسلامی، بی تا.
- ◇ ابومخنف، لوط بن یحیی، وقعة الطف، به تصحیح: محمدهادی یوسفی غروی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷.
- ◇ بهشتی، سیدمحمد، ولایت، رهبری، روحانیت، تهران: بقیه، ۱۳۸۴.
- ◇ جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ج ۳، چ ۵، قم: اسرا، ۱۳۸۸.
- ◇ جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۱۳، چ ۳، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
- ◇ جوادی آملی، عبدالله، حماسه و عرفان، چ ۸، قم: اسرا، ۱۳۸۴.
- ◇ جوادی آملی، عبدالله، سرچشمه اندیشه، چ ۵، قم: اسرا، ۱۳۸۹.
- ◇ جوادی آملی، عبدالله، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، چ ۵، قم: اسرا، ۱۳۸۸.
- ◇ جوادی آملی، عبدالله، شمیم ولایت، چ ۵، قم: اسرا، ۱۳۸۸.
- ◇ جوادی آملی، عبدالله، عصاره خلقت، قم: اسرا، ۱۳۸۹.
- ◇ جوادی آملی، عبدالله، فلسفه زیارت، چ ۵، قم: اسرا، ۱۳۸۸.
- ◇ دشتی، محمد، فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام، قم: امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۹۰.
- ◇ شریفی، محمود و دیگران، موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، قم: منظمه

- الاقواق و الامور الخيرية، دار الاسوه للطباعه و النشر، ۱۳۸۳.
- ♦ طباطبایی، فاطمه، یک ساغر از هزار: سیری در عرفان امام خمینی رحمته الله علیه، بی جا:
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۷.
- ♦ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نجف: دارالنعمان، ۱۳۸۶.
- ♦ طوسی، محمد بن حسن، امالی، تهران: مؤسسه البعثه، مرکز الطباعه و النشر، ۱۳۸۵.
- ♦ فیض کاشانی، ملامحسن، محجة البيضاء، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۸۲.
- ♦ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۱.
- ♦ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، به تصحیح: عابدی زنجانی، قم: دار احیا التراث اسلامی، ۱۳۸۲.
- ♦ مصباح یزدی، محمد تقی، آذر خشی دیگر در آسمان کربلا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۹۱.
- ♦ مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه حقوق اسلامی، ج ۶، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۹۶.
- ♦ مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، قم: صدرا، ۱۳۹۹.
- ♦ مؤسسه فرهنگی حدیث لوح و قلم، آفتاب در مصاف؛ برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب رحمته الله علیه، ج ۳، قم: انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.
- ♦ پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای رحمته الله علیه:
- «farsi.khamenei.ir»
- ♦ سایت امام خمینی رحمته الله علیه: «http://www.imam-khomeini.ir»

مسابقہ فہمینی کعبہ صاحب دوان



توضیحات شرکت در مسابقه

• پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد دوازده‌ساله و بیشتر، می‌توانند به روش‌های زیر در مسابقه شرکت کنند.

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها را به صورت یک عدد چهاررقمی از چپ به راست، همراه با نام و نام خانوادگی خود به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: کعبه صاحب‌دلان ۲۱۳۲ احسان رضوانی‌پور

۲. فیلم‌برداری از خودتان در حال معرفی یا خوانش بخشی از متن کتاب: فیلم‌های خود را با زمان حداکثر ۱۰۰ ثانیه و فرمت mp4، به این نشانی بفرستید:

Haram.razavi.ir

۳. ضبط صدای خودتان در حال معرفی یا خوانش بخشی از متن کتاب: کلیپ‌های صوتی خودتان را با زمان حداکثر ۱۰۰ ثانیه و فرمت mp3، به این نشانی بفرستید:

Haram.razavi.ir

• آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.
• قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

پرسش‌ها

پرسش اول: «خدایا در هر مصیبتی تو تکیه‌گاه من هستی.» این سخن امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به کدام ویژگی شخصیتی ایشان اشاره می‌کند؟

۱. پایبندی به انجام تکالیف الهی

۲. شهامت و شجاعت

۳. اعتماد و توکل به خداوند

۴. اخلاص

پرسش دوم: «امروز، روز عاشورای حسینی است؛ امروز روز کربلاست، حسینان آماده باشید.» این سخن در ایام دفاع مقدس از کیست؟

۱. امام خمینی رحمته الله علیه

۲. رهبر معظم انقلاب ظله الله

۳. شهید آوینی رحمته الله علیه

۴. شهید سلیمانی رحمته الله علیه

پرسش سوم: کدام گزینه در خصوص درس‌ها و عبرت‌های عاشورایی درست است؟

۱. عدالت‌خواهی و مبارزه با ظلم
۲. پاسداری از اسلام و ارزش‌های اسلامی
۳. عزت‌مداری در برابر دشمن
۴. همهٔ گزینه‌ها

پرسش چهارم: طبق متن کتاب، کدام گزینه صحیح است؟

۱. عاشورا ماندگارترین حادثهٔ تاریخی است که به سبب رنگ الهی، جاویدان و فرازمانی شده است.
۲. اربعین حسینی، نمادی از امتداد عاشورا و قوت حقیقت اسلام است.
۳. جهت‌گیری در عزاداری امام حسین علیه السلام، باید آگاه‌سازی، محکم‌کردن ایمان، شجاعت و غیرت دینی باشد.
۴. همهٔ گزینه‌ها



ماهیت امام حسین

مسابقه بزرگ کتابخوانی

شور، عشق، حماسه

ویژه گروه های سنی کودک، نوجوان، بزرگسال

جوایز:

صدها محصول فرهنگی و متبرک حرم مطهر رضوی

روش های شرکت در مسابقه:

پاسخ به سوالات، ارسال فایل صوتی یا تصویری و...



جزئیات بیشتر از طریق سایت haram.razavi.ir

مهلت شرکت در مسابقه: ۳۰ مهر ماه ۱۴۰۰

